

ما برون را نگریم و قال را

- مگر ساعت شش شروع نمیشه؟ ۰۰۰ با تبسم تلخی که با آه خفیفی نیز همراه است جواب میدهد - چرا ۰۰۰ میدونی، همه کارو زندگی دارند درس و مشق دارند و ۰۰۰ آخه خارج از کشوره دیگه!! ما منتظر ایستاده‌ایم، یک لحظه به یاد زندانیان مقاومت می‌افتم که همیشه " سر موقع" تحت شکنجه قرار می‌گیرند، مهاجمان آزادی‌کشی، حلاله‌دان خمینی هیچ وقت " دیر" نمی‌کنند - به شهیدا می‌اندیشم که چگونه از خونشان " سوخت گیری" میشود.

بعله! سالك بدست، دو نفر نزدیک میشوند - سالك دومی و سومی ۰۰۰ و آخری خوش و بش‌ها شروع میشود - گامی حال عمده ات خوب شد؟! " پسر، فیلم دیشبیه رو دیدی خیلی با حال بوده" " امشب با دوست دخترم قراره برسم بیرون باید میره رو زود جمع‌کنم" " چوکه جدید مشتظری رو شنیدی؟! "

حالا دیگه همه میزها چیده شده و همه منتظر مشتریانند! صدای خشن و شوخ یک نفر را میشنوم - بابا تابستونه هیشکی نمی‌آید، من که گفتیم تعطیلش کنیم.

هر دو ماتمان برده و از "فعالیت‌های" " خستگی ناپذیر" " گروه‌های سیاسی" خارج از کشور انگشت‌بدهان مانده‌ایم.

زیر لب با خود زمزمه میکنم " ۰۰۰ که به رخت‌خواب خواب خواب خود از خویش بیگانه است"

که صدای حمید به خود می‌آردم، چی میگی؟ - هیچی ۰۰۰ بریم میزهارو ببینیم؟ بریم میز اول - مثل اینکه حال " راه کارگر چی هاست" کتابها را مرتب چیده‌اند نشریه هم دارند، مبارزه تکمیل شد دیگه چیزی کم ندارند! شماره آخر نشریه‌شان عکس بزرگ مارکس را چاپ کرده‌اند دلم می‌خواد پیش آن جمله معروف لنین را بگم که " بعد از مرگ انقلابیون، بورژوازی مجسمه آنان را می‌سازد و نامشان را تجلیل می‌کند تا بدینوسیله توده‌ها را سرگرم کرده و بغیربده" (نقل به مشمن) فروشنده برو بر نگاهم میکنند - انگار نه انگار که همین چند روز پیش آخرین دسته گل شان را به آب دادند " همکاری با جناح انقلابی اکثریت" حمید میگه، شاید این خبر نداره که اینجوری طلبکارانه نگاهمان میکند

- نه حمید، اینها " دست پیش و می‌گیرند که پس نبوفتنند" مگر همان " عقب نشینی" مبادت رفتسه همان انحلال راه کارگر را می‌گم که با شعار "عقب نشینی بیمان توده‌ها" میخواستند توجیهش کنند تا حالا هم حتی یک انتقاد آبکی از خودشان نکرده‌اند، تازه ادعای رهبری طبقه کارگر را هم دارند - نشریه‌تون رو نگاه کنی، حتما یک رساله علیه " فدایی‌ها" داره یک مقاله هم راجع به مبارزه طبقاتی ستلا در فرانسه، چند صفحه‌ای نیز با فحش و بدو همراه به این و اون پر شده و دست آخر رضومده‌اشی در سورد سازماندهی " صفتی" مهاجران

مادرون را بنگریم و حال را

خارج از کشوره اگر هم مطلب کم اومد عکس شهیدی با زندگی نامه‌اش را چاپ می‌کنند که در ضمن " سوخت گیری" نیز کرده باشند - باور نمی‌کنی؟! یک نشریه شون رو بختر تا همه چی دستگیرت بشه - می‌دونی اینها چرا همعاش بدوبیره می‌کند؟ چون می‌ترسند، از اسلحه از مبارزه مسلحانه وحشت دارند از این جهت است که مجبورند تئوری بافی کنند - امروز که مبارزه مسلحانه می‌رود تا از محدوده گروهی و سازمانی خارج شود موجب انبساط خاطر حضرات شده و با نزدیکتر شدن صدای سفیر گلوله‌ها که نظم و سکون اطاق مظالمشان را بهم زده - " ترقه بازان" " احساساتی" و "یوبولیست‌های" " خرده بورژوا" " لعن و نفرین می‌کنند.

حمید با خنده میگه " بابا گردان حزب توده است دیگه هر که بیفته خلاصی نداره!!" میریم سراغ میز دوم - دکی ۰۰۰! اینها باز هم هستند؟! " حال کدوم" " جناحه"؟ باور کردنش مشکله که هنوز عده‌ای پیدا میشوند برای همجو " باندهایی" میز بگذارند.

حمید میگه: این نام فدایی هنوز کار خودش رو میکند - درسته ۰۰۰ ولی اینها رو که می‌بینی دور این باندها باقی مونده‌اند دلایل محکم تری وجود داره، میدونی الان " اقلیت" بهترین جاست برای "خارجه نشینان" " چپ"، " رادیکالترین شعارها را می‌دهند "سپح میلیونی" رو هم که دارد - در صحنه عمل نیز چیزی ازت نمی‌خواند میگه چی می‌خوای؟! سازه بقول خودت اسمعشان هم "فدایی" " ایستاده" بنظر من دیگه آن زمان گذشت که کسی از روی ناآگاهی و بی اطلاعی با اینها رفته باشد، بخیر اعظم اینها افراد این الوقتی اند که با جماندن خود به این باندها بی عملی خودشان را توجیه میکنند، یک لحظه به فکر میرسد از فروشنده برسم حال کدوم " جناحه" با خود می‌گویم " شاید هنوز معلوم نیست و بعد روشن خواهد شد!

یکهو متوجه میشوم که حمید به فکر عمیقی فرورفته میتوانم حدس بزنم راجع به چی فکر میکند، او سه فدائیان راستین خلق می‌اندیشد به رفیق جزئی سه حمید اشرف و به زندانیان که بخاطر عشق به مردم و ایمان به راه "فدایی" تحت وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار دارند - بعد، از من می‌پرسد " اینها تا کی می‌خواهند از این آرم و نام سوء استفاده کنند؟ جوابی برایش ندارم ولی با خود فکر میکنم تا زمانی که جنبش از انحرافات سکتاریستی و اپورتونیستی با لایش نیافته دلالاتی چون " زهری" پیدا خواهد شد تا خون فدائیان را وثیقه مطامع شد انقلابی خود قرار دهند - حمید دوباره می‌پرسد " بعضی‌ها که تلاش دارند خط اصولی و انقلابی فدایی امیل را زنده کنند چرا واقعیات درونی را، اسناد مربوط به مناسبات و روابط را که افشاء کننده میزان خیانت این افراد است بطور علمی منتشر نمی‌کنند؟

جوابی برایش ندارم ۰۰۰ از جلوی میز عبور می‌کنم، حمید نیز می‌آید مقابل میز سوم ایستاده - ایسم - در همین حین یک قسمت راهرو شلوغ میشود و همسه " فروشنده‌ها" دور دو نفر جمع میشوند - و آن دو

سخت سرگرم بگو مگو اند - فکر کردم با پلیس حمله کرده با حزب الهی‌ها ریختند - سریع از یکی پرسیدم چی شده حزب الهی‌ها ریختند؟ ۰۰۰ خنده‌ای کرد و گفت نه بابا اینجا که از این خبرها نیست، اینجا آزادی و دمکراسی است و ما از این جو دمکراتیک استفاده می‌کنیم، اونها دارند راجع به "ایران" بحث می‌کنند

حمید می‌زند زیر خنده ۰۰۰ و بلند می‌خندد - بواس حمید، همه دارند ما را نگاه می‌کنند - نه آخه میگه راجع به " ایران" دارند بحث میکنند خودت که شنیدی ۰۰۰ یک لحظه از خنده باز می‌ایستی و با هم تکرار میکنیم ما برون را ننگریم و قال را

ما درون را بنگریم و حال را به طرف جمعیت بحث کننده راه می‌افتم و همزمان با خود می‌اندیشم، جعفر آمان است از فضای " مبار و آزاد" فرنگ در جایی که نه از پاسداران شب خیری است و نه از علق و زندان.

قرسنگها دور از میهن در بدمان و فارغ از هرگونه تهدید از "دمکراسی" از " سوسیالیسم" " صف مستقل پرولتری" از ۰۰۰ دم زدن - و باز با خود می‌گویم کدام دمکراسی است که با جرو بحث بهش دست یافته باشند، آن کدام آزادی است که با شمار دست یافتنی باشد.

تا ما پیششان میرسیم بحثشان تمام شده و قیافه شان اینجور نشون میده که هر دو از بحث راضی بوده‌اند " احتمالاً یکی از " معضلات جنبش را حل کرده‌اند! محبور میشوم سراغ میز سوم برگردیم، مال " حزب کمونیست" کومهله است - یا به زبان ساده‌تر فروشنده هوادار " کومهله" است و کتابهایی که توسط "اتحاد مبارزان" نوشته میشود با اسم " حزب کمونیست" عرضه میکنند - (حالب نیست؟!)

حمید امان نمیدهد کتابشون را نگاهی بکنیم فقط یک لحظه شعار بزرگی را روی نشریه شان می‌بینیم " از جنگ کومهله علیه حزب دمکرات حمایت کنید" - حمید می‌پرسد، راستش با لاطره نفهمیدم چطور شد سازمان کومهله بکدفه " حزب کمونیست ایران" شد؟ مجبور میشوم مقداری برایش توضیح بدم، بهمن خیلی ساده برات بگم!

- آنچه که امروز به اسم حزب " کمونیست" از طرف کومهله معرفی شده سرهم بندی جدیدی از جریانات در هم ریخته خط ۲ پیرامون کومهله هست، امروز روح پیکار در جسم کومهله و اتحاد مبارزان حلصول کرده منتها اسمشان عوض شده و " حزب کمونیست" نامیده میشوند - بذار بکمقدار دقیقتر بگم، کومهله نماینده خرده بورژوازی دهقانی که در یک منطقه‌اشی که از لحاظ رشد سرمایه‌داری عقب افتاده است مشغول مبارزه ملی - دمکراتیک است.

این جریان در ضمن اینکه خصوصیات عمومی این قشر (خرده بورژوازی دهقانی) یعنی تنگ نظری فئالیست پشگی را داراست در دوره اعتلای مبارزه و درآ میزش با روشنفکران خرده بورژوا به آنارشیزم می‌غلطد، این وجه تمایز این شکل جدید - این " روح پیکار" که می‌گی خصوصیات اصلی اش چیه (کدامند)؟

کوتاه و کنکرت برات بگم، اینها مخالف شدید در صفحه ۱۱

اخبار کوتاه

از صفحه ۱۲
اینست که سران رژیم در حالیکه پس از عملیات کربلای ۴ و ۵، قادر به انجام عملیات در جنوب نیستند، نیروهای خود را با عملیات بی نتیجه در شمال سرگرم میکنند تا تصور جنگنده مینهنی و ضد مردمی را همواره گرم نگهدارند.

دولت عراق اعلام نمود که دومین خط لوله نفت که از خالک ترکیه میگذرد در روز ۲۸ مرداد امسال آغاز بکار کرد.

کومله طی یک اطلاعیه در تاریخ ۶۶/۴/۵ اعلام نمود که مناسبت ۳۱ خرداد، روز پیشمرگه کومله، عملیات نظامی در چندین نقطه کردستان انجام داده است. در این اطلاعیه گفته شده است که در این عملیات ۱۵۰ تن از افراد رژیم کشته و ۱۰۴ تن به اسارت پیشمرگان کومله درآمدهاند. اطلاعیه اضافه میکند که در این سلسله عملیات ۵۵ قبضه سلاح نیمه سنگین و سبک از طرف پیشمرگان به دست گرفته شده است.

به گزارش رادیو مجاهد، رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی در اولین ساعات بامداد روز اول نبردها در منطقه دهلران، ۴ پایگاه رژیم را در هم کوبیدند و ۱۳۸ تن از مزدوران رژیم را کشته و زخمی نمودند. در این عملیات قهرمانانه، ۶ مجاهد قهرمان شهیدت رسیدند. اسامی شهدای پر افتخار جنبش مقاومت انقلابی عبارتست از: مجاهدین قهرمان محمد جعفر مناسی - محمد حسین عظیمی - علی محمد اسفندیار اکبر نژاد - سید هدایت الله حاتمی - محسرم رضائی آلاکزی - نندالامیر حیدری

به گزارش رادیو مجاهد در تاریخ ۱۰ تیرماه امسال رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی طی یک عملیات حورانه در منطقه سردشت، ۱۱ پایگاه رژیم را در هم کوبیدند. در این عملیات قهرمانانه، ۸۱ تن از مزدوران رژیم بهلاکت رسیدند و ۳ تن از مزدوران مستقر در این پایگاهها به اسارت درآمدند.

به گزارش رادیو مجاهد، در تاریخ ۱۸ تیرماه امسال رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی، طی یک عملیات قهرمانانه در منطقه ایلام، ۷ پایگاه رژیم سرکوبگر خمینی را مورد تهاجم قرار دادند. در این عملیات قهرمانانه ۱۱۰ مزدور رژیم کشته و زخمی شدند و ۵ تن به اسارت رزمندگان مجاهد خلق درآمدند. در این عملیات، مجاهد خلق ابوالقاسم سالاری (فرمانده امثال) با سرفروزی و قهرمانی بشهادت رسید.

به گزارش رادیو مجاهد، در تاریخ ۲۷ تیر ماه امسال مجاهدین قهرمان ارتش آزادیبخش ملی، طی یک عملیات دلیرانه در منطقه بانه ۵ پایگاه مزدوران رژیم را مورد حمله قرار دادند و ۲ پایگاه آنها مورد تسخیر کامل قرار دادند. در این عملیات قهرمانانه ۷۰ تن از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند و ۶ تن از رزمندگان دلیر مجاهد خلق بشهادت رسیدند.

اسامی این شهدای قهرمان عبارتست از: مجاهدین خلق کورش عباسی فر - ملاحسین حسینی - جلیسل فخری صفر نیا - حسن محمدی

به گزارش رادیو مجاهد، رزمندگان دلیر ارتش آزادیبخش ملی، طی یک عملیات قهرمانانه در منطقه گیلان غرب در تاریخ ۹ مرداد امسال، ۹ پایگاه مزدوران رژیم را در هم کوبیدند و ۷۶ تن از مزدوران را کشته، ۷۵ تن را زخمی و ۳ تن را به اسارت در آوردند. در این عملیات قهرمانانه مجاهدین خلق علیرضا گرمیور و غلامرضا ریاحی بشهادت رسیدند.

به گزارش رادیو مجاهد، در تاریخ ۱۲ مرداد امسال مجاهدین قهرمان ارتش آزادیبخش ملی، طی یک عملیات قهرمانانه در منطقه کرمانشاه، ۵ پایگاه رژیم را مورد تعرض انقلابی قرار دادند. در این عملیات ۲۶ تن از مزدوران کشته و ۲۷ تن به اسارت درآمدند. در این عملیات قهرمانانه، سه رزمنده مجاهد خلق بشهادت رسیدند. اسامی این شهیدا عبارتست از: مجاهدین خلق محسن وجدانی - رضا صفعی و بهروز حق نظر

پس از بلوای مزدوران رژیم در مکه، خمینی در پاسخ به پیام کورسی چنانسکار، بلوای مزدوران حزب الهی را، حرکتی "زیبا" توصیف نمود. خمینی در پاسخ خود میگوید:

"اگر از مدها وسیله تبلیغاتی استفاده میگردیم اگر هزاران مبلغ و روحانی را به اقطار عالم میفرستادیم تلخترین بلای واقعی بین اسلام راستین و اسلام امریکایی و فرق بین حکومت عدل و حکومت سرکوبگران مدعی حمایت از اسلام را مشخص کنیم، به صورتی چنین زیبا نمیتوانستیم...".
است که وقتی خمینی پس از ۱۵ سال شکام ورود به ایران اعلام میکند که هیچ گونه احساسی ندارد، باید بلوای مضمحل کننده و تنفر انگیز مکه را "زیبا" اعلام نماید.

۵۲ تن از نمایندگان کنگره امریکا، طی نامه ای به وزیر امور خارجه امریکا، خواستار حمایت دولت امریکا از مقاومت ایران به رهبری مجاهدین خلق ایران شدند. وزارت امور خارجه با این درخواست مخالفت نموده است.

اتحاد شوروی اعلام نمود که بهبود مناسبات با رژیم خمینی، نباید بهیچوجه به معنی ادامه جنگ باشد. اتحاد شوروی دو باره تاکید نمود که باید به جنگ ایران و عراق خاتمه داده شود. به گزارش خبرگزاری تاس بولوی ورونتسف معاون اول وزارت خارجه اتحاد شوروی، طی ملاقات خود با طارق عزیز در تاریخ ۹ مرداد امسال، بر ضرورت خاتمه یافتن بر جنگ ایران و عراق تاکید نمود. در این ملاقات که در بغداد صورت گرفت، دو طرف از قطعنامه شورای امنیت بعنوان آغاز حرکتی نسوی خاتمه هر چه سریعتر جنگ یاد کردند.

تصویب يك قانون
ارتجاعی دیگر

شما تصور که در قبل هم گفته ایم رژیم خمینی در بسج نبرو به بن بست رسیده تا حدی که در اکثر حملاتش مجبور به آن شده که از تجاری فرمان هان و سپردهای اصلی نیروهای سرکوبگر استفاده نماید که در طی دو ماه اول سال جاری در جبهه های سرگرم و نیستی تعدادی از آنان را از دست داد. رژیم بنا به فشار به نیروی انسانی جبهه های خانمانسور دست به هر کاری زده و میزند. برای نمونه به مدارس خیابانها و کارخانجات حمله ور شده و اسیرادی را در صفحه ۱۰

اطلاعیه صدای مجاهد



همپیمانان آمریکایی مری و آزاده! برای ناس با صدای مجاهد و اراده ی گوارشها، نظرات و پیشنهاداتان و همچنین برای ارسال نوارهای ترانه های بهینی و موسیقی اسیر ایرانی و با نظرات و ساخته های خودتان بمنظور بخش از صدای مجاهد، می توانید از طریق آدرس های ارتباطی انجمن ها و واحدهای هوادار مجاهدین خلق ایران با "صدای مجاهد" مکاتبه نمایید.

اطلاعیه «سیمای مقاومت»



همپیمانان آگاه و مبارز سیمای مقاومت، برنامه ی تلویزیونی سازمان مجاهدین خلق ایران برای هرچه بهتر بازگو کردن و تصویر نمودن انبساط گسترده ی مقاومت عادلانه و سراسری مردم ایران بر علیه رژیم شدبفری خمینی و همچنین معرفی و شناساندن تاریخ مبارزاتی ماسر مردم ایران نیاز به هر نوع فیلم، ویدئو، عکس، نوار صدا، کتاب، نامه و سند در زمینه های مختلف تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از انقلاب مشروطیت تا به امروز دارد. در این میان فیلم ها و تصاویر مربوط به فعالیت ها و اقدامات مختلف سازمان مجاهدین خلق بر علیه شاه خائن و خمینی شدبفر از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از عموم همپیمانان آگاه و مبارزی که چنین مدارکی در اختیار دارند و یا از محل نگهداری و آرشیو آنها مطلعند، درخواست می شود که مدارک خود را (همراه با فیلم، ویدئو، عکس، نوار صدا، کتاب، سند و...) و با اطلاعات مربوط به محل نگهداری و آرشیو آنها را از طریق آدرس های ارتباطی انجمن ها و واحدهای هوادار مجاهدین خلق ایران در اختیار سیمای مقاومت قرار دهند. بدیهی است که سیمای مقاومت، در صورت تمایل صاحبان مدارک، بعد از استفاده آنها را مسترد خواهد نمود.

به گزارش رادیو مجاهد طی یک سانحه مجاهد قهرمان حسن جزایری، عضو بخش روابط بین المللی سازمان مجاهدین خلق، در رابطه با پیشرفت کار ارتش آزادیبخش ملی، بشهادت رسید.

بادش گرامی باد

به گزارش رادیو مجاهد، در تاریخ ۲۰ مرداد امسال، مجاهدین قهرمان ارتش آزادیبخش ملی طی یک سلسله عملیات بزرگ در منطقه مریروان، پنج پایگاه مهم رژیم را مورد تهاجم قرار دادند. در اثر این عملیات تعداد زیادی از مزدوران رژیم بهلاکت رسیده و چهارده نفر نیز به اسارت رزمندگان مجاهد در آمدند.

رادیو مجاهد گزارش داد که مجاهدین قهرمان ارتش آزادیبخش ملی، طی یک رشته عملیات تهاجمی در منطقه سردشت، در تاریخ ۲۱ مرداد ماه امسال، شمار زیادی از نیروهای رژیم را کشته و زخمی نمودند.



آنچه در زیر سی‌آید، جمع‌بندی بخش‌هایی از مباحثاتی است، که طی چند دوره در درون بخشی از جبه انقلابی جریان داشته است.

مهمترین و پر ثمر ترین این مباحث طی دو دوره منقصل از هم - یک دوره طی سالهای ۲۴ تا ۲۶ در گروه پیشناز جزئی - ظریفی (یکی از دو گروه اصلی تشکیل دهنده چریکهای فدایی) و دوره بعد طی سالهای ۵۰ تا اواخر ۵۲ در زندان شاه، آنهم به ابتکار شهید قهرمان بیژن جزئی - جریان داشت. پس از قیام گر چه بعثت خرابکارهای حزب توده این بحث هنجگاه در درون جبه انقلابی گانگالیزه نشد، اما بصورت پراکنده و گاه نگاه جریان می‌یافت.

من زیر تلاشی برای روشن کردن خط و مرزهای تئوری انقلابی، با دیدگاههای انحرافی، فرمبستی و سگناریستی است.

و رهایی بخش، اساسا با منافع اکثریت قریب به اتفاق "روحانیان" و "علمای نظام" در تضاد است. این امر مناقضاتی با شدت بخشهایی از روحانیان بطور خاص و کاست روحانیت بطور عام، با دستگاه سلطنت ندارد. این امر جهت وحدت آنها (روحانیان و دربار) یعنی مقابله با "ترقی" و "رهایبی" و اتکا به "محرمان"، را مشخص می‌کند.

اینکه بروجدی، کاشانی، نواب صفوی، خمینی بهیپهانی و... چه تضادهایی با هم و با دربار داشتند در مقابل سبیز آنها با "ترقی" و "رهایبی"، به مسئله درجه چندم تبدیل میشود. اقلیت محدودی از این قشر میتواند با "ترقی" و "رهایبی" پیوند عمیق داشته باشد.

۸ - حزب توده بمقابله یک جریان اجتماعی، در آن شرایط علاوه بر همه تخریب و مرض های اپورتونیستی

مجموعه "شرایط ذهنی" هستند، کوچکترین مسئله در امر رهبری است. مسئله رهبری تنها یک امر "تئوریک" نیست، بلکه اساسا امری است "پراتیک"، و از این رو آن نیرویی بدان دست می‌یابد که با تلاش رزمنده در صحنه واقعی مبارزه به "مغز" و "قلب" جامعه تبدیل شود.

در جنبش ملی شدن نفت، یک جنبش ضده امپریالیستی و تماما خلقی بود که گرایش‌های متضاد طبقات و اقشار اجتماعی، بهمراه گرایشهای مختلف سیاسی - ایدئولوژیک را (که همواره رابطه مستقیمی با زیر بنا هم نداشته) در خود جمع کرده بود. این مجموعه در یک لحظه تاریخی به "وحدت" رسید. این وحدت، که طبعا وحدتی موقتی، نسبی و مشروط و برای حل عمده‌ترین تضادی بود که راه را برای حل تضادهای اساسی تر اجتماعی باز می‌کرد،

پیرامون شکست جنبش ملی در ۲۸ مرداد ۳۲

سپیدی سامع نقل از ماهنامه تورا شماره ۱۰، مرداد ۶۴

۱- جنبش ضد استعماری ملی شدن نفت به رهبری مصدق فقید با کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد در هم شکسته شد و برای دوره‌ی رکود در جنبش انقلابی مردم بوجود آورد. شکست این جنبش برای مردم ایران یک شکست استراتژیک بود.

۲- اینکه جنبش ملی شدن نفت چرا شکست خورد و علت عدم مقابله انقلابی با کودتای ۲۸ مرداد چه بود و مسئول آن کیست، مسئله کلیدی هر تحلیل سیاسی - تئوریک از شرایط شخصی آن زمان است، مسئله‌ی که هر موضعگیری در فبال آن، بخصوص در پراتیک امروزی، نقش مهمی بازی خواهد کرد.

۳- گروهی علت شکست را در ناپهگیری دکتر مصدق و گروهی دیگر در غیر انقلابی بودن حزب توده می‌دانند. حزب توده علت شکست را در "عدم وحدت نیروهای ضد استعماری" میداند، ارتجاع خاکم به رهبری خمینی کودتای ۲۸ مرداد را سبلی "اسلام" به مدد میداند، سگناریست ها با تکرار جمله "بدون رهبری طبقه کارگر هیچ جنبشی پیروز نخواهد شد" عملا به درتیمیم در می‌غلطند.

صرفنظر از نقطه افتراق این نظرات، فصل مشترک همه آنها یک مسئله است و آن اینکسه "فقدان شرایط ذهنی کافی" به بیان دیگر ناکافی بودن امر رهبری سیاسی، اساسی ترین دلیل شکست جنبش و عدم مقابله با کودتای ۲۸ مرداد بود. ناکافی بودن "شرایط ذهنی" و امر رهبری سیاسی "جنبش را نباید در عدم رشد شرایط عینی جست. این فقدان در خود شرایط ذهنی یعنی در عدم تطابق "اندیشه" با روند "عملی" و "عینی" جنبش نهفته است. به بیان دیگر عدم درک "ضرورت" که موجب به بند کشیده شدن نیروهای رهایی بخش میشود، خود را در عدم گذار انقلابی از "تئوری" به "پراتیک" نشان می‌دهد.

۴- ارائه یک فرمول صرفا "نظری" در رابطه با رهبری ضروری جنبش، مثل اینکه گفته شود "هیچ جنبشی بدون رهبری طبقه کارگر پیروز نمیشود" بدون تشخیص کردن طرق و وسایل نیل بدان و نیز موانع "عملی" رسیدن بدان، که عموما خود جزیسی از

نه فقط مانع انکشاف مبارزه طبقاتی نبود، بلکه در صورت برخورد خلایق با آن، به عاملی در جهت سرعت بخشیدن به این انکشاف تبدیل می‌شد.

۶- دکتر مصدق گر چه در آغاز وابسته به یک جریان اجتماعی جامعه ما بود و بیشترین پیوند را با "بورژوازی ملی" داشت، اما در پیرویه رشد جنبش و بویژه در دوران نخست وزیریش به نماینده یک خواست تمامجا خلقی تبدیل شد. او نماینده ورهبر خواست عمومی "ملی شدن نفت در سراسر کشور" بود. مصدق تمام توان "عاطفی" و "معنوی" خود را که الزاما نمی‌توانست چارچوبهای انجمناعیش را در هم شکند، بکار گرفت. اگر او حتی همانند آنچه آئنده در مقابل کودتا مقاومت مسلحانه می‌کرد، هیچ تغییر کیفی در اوضاع و در قنات تاریخ نسبت به او بوجود نمی‌آمد. مصدق نه به "طبقه خود" و نه به "خلق" خیانت نکرد. رسالت او "ملی همسه شرایط اجتماعی موجود" برای "ملی خود" و ایجاد سنتزی بجزا از "کلیت موجود" نبود، زیرا در آن صورت دیگر دکتر مصدق نبود. بنا بر این از آنجا که مصدق تمام توان خود را صادقانه بکار بست تا استقلال و سربلندی "ملت ایران" را فراهم کند، از هر دادگاه تاریخی سرفراز بیرون خواهد آمد.

اما جنبه ملی و وابستگی به مصدق که خود طیف رنگارنگی را تشکیل می‌دادند در جریان رشد جنبش، بویژه از ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ بعد، به جریانهای مختلفی تقسیم شدند، گروهی به در بازار گرویده و به نوظئه مشغول شدند و گروهی با تمام نوسانهای خاص خود در کنار مصدق و جنبش ملی باقی ماندند. شکست جنبش در ۲۸ مرداد ۳۲، آغاز شکست جنبه "ملی" این جنبه رنگارنگه بود، آغازی که با فرم امپریالیستی دهه چهل مرحله پایش را پیمود.

۷- جناح "روحانیون" یا گسترش و تعمیق جنبش به همان راهی رفت که "اسلافش" در مشروطه طی کرده بودند: سازش با "دربار" بمثابه نیروی عمده ارتجاع داخلی و پایگاه سیاسی امپریالیسم، هر جنبش ضد امپریالیستی با سمت گیری مترقیانه

رفرمیستی و سازشکارانه، دارای یک انحراف اساسی متدولوژیک نیز بود، به این معنی که استراتژی و تاکتیک خود را نه بر اساس تحلیل مشخص از شرایط مشخص جامعه ایران، بلکه بر اساس یک سلسله شرایط و منافع بین المللی - که خود نام "سیاست انترناسیونالیستی" بر آن نهاده است - بنا می‌کرد و می‌کند. بقول رفیق بیژن جزئی: "کمیته مرکزی حزب توده وظیفه خود میداند که از تمام جنبه‌های دیپلماسی شوروی در ایران بدون استثنا دفاع کند" (۱). از این جهت حزب توده نه یک حزب طراح و خلاق و ارائه دهنده استراتژی انقلابی، بلکه عموما جزئی مجری و دنباله‌رو بوده است. حزب توده آتقدیر آلوده به فرمسم و اپورتونیسم است که وقتی تاریخ جنبش ملی را پس از سالها گذشت از آن و در شرایط حاکمیت رژیم ارتجاعی خمینی تحلیل میکند برای خوش رقصی، مجیز گوئی و جنبه سبسی در آستان ارتجاع حاکم، باز هم کاشانی‌خا را به امثال مصدق و فاطمی - که بنظر همین حزب توده (نظیر حزب توده در دوران حکومت خمینی) ابدنمال خط امریکا بودند - ترجیح می‌دهد. این سیاست خائسانه، چابلوسانه و عمیقا ضد کمونیستی منشا و منبع ضربات مهلکی بر جنبش ترقی خواهانه مینماید. ما مدافع آن دیدگاهی هستیم که حزب توده را در مقطع ۲۸ مرداد ۳۲، بر اساس موقعیت و وزن سیاسی، مسئول اول شکست و مسئول اول عدم مقابله با کودتا میداند. این نظر اولین بار بوسیله رفیق شهید بیژن جزئی چنین جمع‌بندی شد: "ما که به نقش پیش فراول حزب طبقه کارگر اعتقاد داریم همه مسئولیت عدم مقابله با کودتای ۲۸ مرداد را متوجه رهبری حزب توده ایران میدانیم. ناهشیاری و عدم تحرك و عدم جسارت انقلابی رهبری حزب توده در ایجاد آمادگی واقعی برای مقابله با ضد انقلاب و بویژه تغییر فوری تاکتیک در ۲۸ مرداد و اتخاذ تاکتیک قهر آمیز در مقابل دشمن اسلحه در دست، باعث شد که همه نیروهای نهفت بدون کوچکترین مقاومت دست بسته تسلیم گردند و در انتظار رفتن به سلاخ خانه‌های رژیم کودتا به نوبت بنشینند" (۲)

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای توده‌ای شکست ناپذیر است

سالروز اعلام جهاد خمینی علیه خلق کرد

از صفحه ۱

همچنین برای تأمین نیروی انسانی حبه‌ها اقدام به تسلیم اجباری نموده و از سال ۶۳ به بعد در شهر و روستاهای کردستان به سربرازگیری پرداخت و هنوز هم ادامه دارد.

توده‌های زحمتکش کردستان در مقابل فشارها و تضعیفات مداوم و بیش از حد رژیم تن به تسلیم و تمکین نداده و به مقاومت در اشکال مختلف دست می‌زنند. در صحنه نبرد مسلحانه، رژیم گمان می‌کرد که با میلیونریمه کردن کردستان، رخنه‌های بی‌شمار در روستاها می‌تواند نیروی پیشمرگان کردستان را فلج کند. اما گذشت زمان ثابت کرد که این جنبش، جنبشی توده‌ایست و تمامی اقشار خلق کرد نیروی بالفعل آن می‌باشند و تا زمانی که از جنبش و بزرگی‌های بی‌خوردار باشد، نیروی پیشمرگانه تنها تحت شدیدترین فشارها منکوب نخواهد شد بلکه روز بروز قدرتمندتر می‌گردد. شکست‌های تاکتیکی و انت‌های موقت هم امر طبیعی مبارزات است.

اکنون در کردستان کاملاً یک جو نظامی حاکم است و تمامی نقاط آن، یعنی شهر و روستا در دست نیروهای رژیم است. در هر شهری چندین مقر نظامی سپاه پاسداران ارتجاع و بالای کوه‌های مشرف به شهرها واحدهای ارتش مستقر هستند. ماشین‌های گشت رژیم بی در پی و بدون وقفه در حال تردد هستند. سر هر چهارراهی تعدادی مزدور ایستاده است و افزون بر این، کشتیهای پناهنده هم از آغاز شایگانه شروع به حرکت در کوجه و خیابان می‌کنند.

در هر روستایی یک پایگاه نظامی وجود دارد در جاده‌های منتهی به شهر و روستاها چندین ساعت در روز پست‌های بازرسی دایر است. ترس و وحشت رژیم از جنبش انقلابی خلق کرد کاملاً آشکار است. کردستان دومین منطقه‌ای بود که شامل طرح ایجاد کلونکاهها در محورها و راه‌های خروجی شهر گردیدند و حال بیش از ۱۷ کلونکاه در نقاط مختلف کردستان وجود دارد. با این حال نیروهای رژیم غالباً مسرور و پرورش پیشمرگان قرار گرفته‌اند.

سال گذشته مبارزه مسلحانه خلق کرد اوج تازه‌ای داشت. تعرفات بی در پی پیشمرگان و تصرف پایگاههای مزدوران در روستاها و نفوذ به داخل شهرها روحیه نیروهای رژیم را در هم شکسته است. هر روز در گوشه‌ای از کردستان قهرمان چندین پایگاه رژیم در هم کوبیده می‌شود و پیشمرگان در مدت زمانی کوتاه پایگاهها را به تصرف خود می‌آورند. و پایگاهها را به آتش می‌کشاند و دهها مزدور را به اسارت در می‌آورند و غنایم چشمگیری بدست می‌آورند. در نیمه اول سال ۶۵ بطور میانگین هفتاد و پنج عملیات گسترده که در آن تعداد بسیاری از نیروهای رژیم به هلاکت رسیده‌اند، توسط پیشمرگان خلق کرد انجام گرفته است.

رژیم حتی در داخل شهرها و در سنگرهای بتونی نیز امنیت ندارد و همیشه در معرض پیشمرگان و چریکهای شهری می‌باشد. در یکسال گذشته حدود ۱۵ تن از سپه‌های سرکوب و حمایت رژیم که اکثراً از فرماندهان سپاه پاسداران بودند و با از حاشیای

مزدور بهلاکت رسیده‌اند و علاوه بر این پیشمرگان بارها به داخل شهرهای کوچک و بزرگ کردستان نفوذ کرده‌اند و ساعتها بخشهای مختلف این شهرها را به کنترل خود در آورده‌اند. و با پایگاه شهری نیروهای رژیم را مورد حمله قرار داده‌اند و با استقبال گرم مردم شهرها روبرو گشته‌اند.

علاوه بر جنبش مسلحانه اشکال دیگر مبارزه توده‌ای در کردستان نقش بسزایی در جنبش ملی دمکراتیک آن دارد. این اشکال مبارزه از وسعت و دامنه وسیعی برخوردار است. در دور افتاده‌ترین روستاها گرفته تا شهرها و اماکن کار و فعالیت، اعتراضات و مقاومت‌های توده‌ای هر چند سازمان نیافته جریان دارد.

بحران اقتصادی - اجتماعی هر روز عمیق‌تر می‌شود. رژیم خمینی نمی‌تواند بر این بحرانها غلبه کند. ادامه جنگ ایران و عراق، تشدید تضادهای اجتماعی و تضادهای درونی رژیم و گسترش مقاومت مسلحانه سراسری، افشا، هر چه بیشتر چهره رژیم در سطح جهانی به یمن فعالیت‌های شورای ملی مقاومت و در یک کلام بحران انقلابی پیشرفت انقلاب و بسبب قدرت، تاثیرات بسزایی در مبارزات توده‌ای در کردستان گذاشته است.

اگر این جنبش بعد از ۲۰ خرداد ۶۰ در انحراف حتمی و حتمانه و جنایات بی‌شمار رژیم تا حدودی از حالت تعرضی به حالت تدافعی درآمده، اکنون با توجه به شرایط عمومی جامعه که در تکیه و تکیه تشدید می‌شود و آستانه یک قیام توده‌ایست اشکال دیگری می‌تواند پیروز شود. در سال گذشته شهرها و روستاها شاهد اعتراضات توده‌ای چشمگیری بوده‌اند. این اعتراضات بطور مختصر اوضاع شهرها و روستاها را می‌توانیم بگوئیم:

الف - شهرها
مبارزات توده‌ای در شهرها بعلاوه شرایط ویژه آن، دارای اشکال بسیار گوناگونی بوده است. از زمانی که نیروهای رژیم بطور کامل شهرهای کردستان را به اشغال خود در آورند، طسوق گوناگونی را برای اعمال حاکمیت همه جانبه خود بکار گرفته‌اند، اما بطور قطع میتوان گفت که اعمال حاکمیت همه جانبه موفق نبوده‌اند. رژیم اگر نتوانست با اعمال جو پلمسی از حرکات اعتراضی توده‌ها جلوگیری کند اما از در هم شکستن روحیه اعتراضی آنها ناتوان است و هرگاه فرصتی بدست آمده اعتراضات بگونه‌ای سر بلند کرده است. در مراکز تجمع کار و فعالیت توده‌ها، اعتراضات از شکل ساده تا شکل‌های عالی تر مشهود است. برای بررسی بهتر مبارزات، عرصه‌های فعالیت شهری را بدین ترتیب تقسیم می‌کنیم:

۱- مدارس، ۲- ادارات، ۳- کارگران و دیگر افسار خلق.

۱- مدارس: مدارس همواره از نقاطی بوده که رژیم حداکثر تلاش را برای تحت کنترل گرفتن آن داشته است. دانش آموزان کردستان از نیروهای فعال جنبش خلق کرد هستند و عده کثیری از آنها اکنون در صفوف پیشمرگان می‌روزمند و تعدادی هم جان باختند. در مدارس جو شدید پلیسی حاکم است، رژیم از طریق "مربیان امور تربیتی" (پاسدار

معلم) اعمال حاکمیت می‌کند و در هر مدرسه‌های تعدادی بسیجی غیر بومی که کارشان جاسوسی و تبلیغات برای رژیم است وجود دارد. در سالهای گذشته رژیم تا اندازه‌ای جلوی حرکات اعتراضی دانش آموزان را سد کرده بود، کوچکترین اعتراضی با زندان و شکنجه و اعدام روبرو بود. بطور کلی میتوان مبارزات دانش آموزان را که از مبارزه منفی تا حرکات گسترده را شامل میشود چندین جمعیتی کرد. عدم پاسخ به فراخوانهای رژیم در زمینه‌های مختلف، مقاومت در برابر فرسهای اجباری لباس شرکت در حرکات اعتراضی، راهپیمایی و اختلال در برنامه‌هایی که از طرف رژیم تدوین می‌گردد. رژیم برای تأمین نیروی انسانی جمعه‌ها مدارس کردستان هم روی آورده و بدین جهت دهها فراخوان به دانش آموزان داد که در این زمینه نیز موفق نشده است. همچنین مخالفت‌های شدیدی با پاسدار - معلم‌ها می‌شود و هر روز به بهانه‌های مختلف با این جاسوسان درگیر می‌شوند. مثلا سرود صبحگاهی با لاجبار باید به اجرا در آید. دانش آموزان هم یا از خواندن آن سرباز می‌زنند و یا سرود را بگونه‌ای بهم می‌زنند و یا ساعتی که کلاس مربوط به آنهاست سر کلاس حاضر نمی‌شوند. شرکت دانش آموزان در راهپیمایی‌ها و مراسمی که از سوی رژیم ترتیب داده میشود در سال گذشته درصد خیلی ضعیفی داشت مثلا در اول سپتامبر مسئولین آموزش و پرورش سندج بمناسبت "هفته جنگ" مراسمی در میدان امین ترتیب دادند. آنها پاسدار معلم‌ها و همه عوامل مزدورشان را بکار گرفته و در هر مدرسه و دبیرستانی دانش آموزان را جمع کرده و بنام گردانهای مختلف سازمان دادند. اما دانش آموزان علیرغم تمام اقدامات امنیتی رژیم، در حین حرکت قرار کردند بطوریکه هنگام اجرای مراسم اغلب کپایی که باقی مانده بودند دانش آموزان مدارس ابتدایی بودند که آنها نیز در حین سخنرانی مقامات رژیم، مراسم را مسخره می‌کردند و همورا می‌کشیدند. سرانجام عوامل رژیم نتوانستند به مراسم ادامه دهند.

در روز بازگشایی مدارس (اول مهر) در تمام شهرهای کردستان، وضع به همین منوال بود، جز تعدادی دانش آموز ابتدایی، بقیه صف راهپیمایی را ترک می‌کردند. از جمله مبارزات دانش آموزان میتوان شعار نویسی در سطح مدارس و دبیرستانها تعطیل کردن کلاسهای درس علیرغم عدم موافقت مسئولین و شرکت در راهپیمایی‌های اعتراضی را نام برد. بر در و دیوار مدارس شعارهای انقلابی نوشته شده است. سطح شعار نویسی آنقدر بالاست که هر ماه یکی دو بار پاسدار معلم‌ها اقدام به "پاکسازی" مدرسه از شعارهای نوشته شده بر در و دیوار می‌کنند. هر گاه جنگ شهرها رو به گسترش بوده است، دانش آموزان کلاسهای درس را تعطیل کرده و به تهدیدات مسئولین آموزش و پرورش کوچکترین اعتراضی هم نمی‌کنند. مثلا در بهمن ماه ۶۵ کمتر روزی مدارس در شهرهای کردستان بعلاوه بمباران دایر بوده است. دانش آموزان از فعالترین عناصری هستند که در هر اعتراضی نسبت به سیاستهای رژیم شرکت می‌کنند. برای نمونه دانش آموزان شهرهای

ساروز اعلام جهاد خمینی علیه خلق کرد

سندج، بانه، و مهاباد همین چندی پیش در اعتراضات و راهپیمایی های شد جنگ مردم نقش فعالی ایفا کردند. همچنین در خرداد ماه ۶۵ دانش آموزان شهر " جوانرو " بمنظور اعتراض به سیاست سربازگیری رژیم، اقدام به یک تظاهرات خیابانی کرده و با دادن شعار این عمل را محکوم نمودند. نیروهای رژیم برای جلوگیری از گسترش اعتراض اقدام به تیراندازی کردند که بر اثر آن ۶ نسن از تظاهر کنندگان زخمی شدند.

از دیگر فعالیتهای مبارزاتی دانش آموزان همکاری فعال با نیروهای پیشمرگه می باشد. هر گاه پیشمرگان بداخل مدارس نفوذ میکنند با استقبال گرم دانش آموزان روبرو می شوند و در دستگیری همکاری رژیم در مدارس نقش بسزایی دارند.

ادارات : کارمندان دولتی ادارات مختلف نیز از فشارهای رژیم بی نصیب نیستند. در هر ادارتی یک یا دو عنصر رژیم مراقب اوضاع و احوال است. در یکی دو سال گذشته از هر شعبه ای از ادارات خواستند که تعدادی از کارمندان را برای همیشه جبهه ها در نظر بگیرند که این امر با مخالفت شدید آنها که اغلب خرج خانواده را هم بر دوش دارند روبرو شد. چندین بار آنها را برای آموزش نظامی به پایگاهها بردند. کارمندان بنا به موقعیتی که دارند از جمله ترس از اخراج و پاکسازی، اکثر اوقات حالت تدافعی دارند و بندرت دست به اعتراض می زنند. البته این وضعیت نشاندهنده رضایت این بخش از حاکمیت نیست. هر کارمندی در محافل خصوصی صحبت از فشارهای همه جانبه رژیم میکند ولی بقول خودشان " چکار میشود کرد " اگر حرفی بزنیم و اعتراضی بکنیم اخراجمان میکنند.

بهر حال رژیم در این زمینه هم موفقیت چندانی بدست نیاورده است. مثلا رژیم کارمندان شهر سقز را تحت فشار قرار داده بود تا شبها در مسجد جامع این شهر تجمع نموده و تکبیمانی بدهند که بسا مقاومت دسته جمعی کارمندان روبرو گردید. سرانجام رژیم مجبور شد با ایجاد تفرقه بدین صورت که برای رفتن به جبهه ترعه کشی انجام گیرد، صفوف متحد آنها را در هم شکند.

کارگران : کارگران کردستان را بیشتر آنها بی تشکیل میدهند که کارگر فعلی هستند. مانند کارگران کوره پزخانهها و کارگران ساده ساختمانی. با مهاجرت بی در پی روستائیان به شهرها روز بروز بر تعداد این کارگران افزوده میشود. بیشتر خواست این کارگران حول پیدا کردن کار است. سال گذشته کارگران شهرهای سندج، سقز، بوکان، مهاباد بانه، چندین بار جلو شهرداری و فرمانداری این شهرها تجمع نموده و خواستار کار شدند. رژیم برای کشاندن کارگران بیرون ارگانهای خود، از کارگران می خواهد که در " جهاد سازندگی " کار کنند، اما از آنجا که ماهیت ارگانی چون " جهاد سازندگی " برای مردم کردستان روشن است و میدانند که " جهاد سازندگی " در خدمت مردم نیست بلکه وظیفه اش حادۀ نظامی رزم و پایگاه و سنگر نشینی ایجاد کردن برای نیروهای سرکوبگر است از رفتن بیرون آن

خودداری می کنند و با از وضعیت ناسامان آنها و بخصوص کارگران آواره جنگی استفاده می کنند و سعی دارد کارگران بیکار را روانه جبهه های جنگ نماید. اما کارگران کردستان تا کنون در مقابل چنین فشارهایی مقاومت کرده اند و هنوز هم تسلیم این خواست ضد انقلابی نشده اند. مثلا رژیم مدت ها بود با توجه به وضعیت فلاکتناز کارگران شهرداری میوان که در اثر جنگ آواره شده اند می خواست آنها را بزور مسلح و روانه جبهه های جنگ نماید. اما کارگران این بخش (شهرداری) تسلیم فشارهای رژیم نشده اند. در خرداد ماه ۶۵ شهردار میوان کلیه کارگران شهرداری را در کارگاه شهرداری جمع نموده و از آنها خواست برای رفتن به جبهه آماده شوند. او از کارگران می خواهد تا با بلند کردن دست آمادگی خود را اعلام نمایند. اما هیچکدام از کارگران دست خود را بلند نمی کنند و در اعتراض به سخنان شهردار، محل جلسه را ترک می کنند. در اردیبهشت ماه ۶۵ پاسداران و نیروهای شهربانی به قصد سربازگیری به میدان کارگران بیکار بوکان واقع در سه راه امیر آباد یورش برده و بعد از محاصره میدان اقدام به دستگیری تعدادی از کارگران میکنند. کارگران با مشاهده این وضعیت به مقابله با یورش مزدوران برخاسته و با آنان درگیر میشوند که در نتیجه تعدادی از مزدوران رژیم محروح شده و بقیه دست خالی میدان را ترک میکنند.

دست فروشان و دکه داران شهری جزء بخشهایی هستند که همیشه در معرض فشار و تهدید رژیم قرار داشته و دائما قصد به اعتراضات پراکنده میزنند. بیکاری و سستی که می کشند چنان است مردم را بطرف دکه داری و دست فروشی روانه میکنند که بسا مخالفت های رژیم روبرو میشوند. سال گذشته بسا خیابانهای شهرها عرصه کشمکش میان دستفروشان و دکه داران از یکطرف و نیروهای رژیم از طرف دیگر بود. مزدوران رژیم اقدام به برچیدن دکه ها و از میان برداشتن دست فروشیها نمودند، ولی علیر تمام فشارهای شدید از جمله کتک زدن، زندانی کردن و غصب اموال آنها نتوانستند دستفروشی را از بین ببرند و ناچاراً اقدام به تاسیس اماکن بزرگی برای تجمع دستفروشان نمودند. با این حال باز هم چسب دستی های میوه و غیره در خیابانها در حال حرکتند. مثلا روز ۹ / تیرماه ۶۵ مزدوران سرکوبگر بساط دستفروشان و دکه داران را در میدان " باد بود " و جل بزرگ سقز مورد یورش قرار دادند و پس از غارت اموال آنها دکه ها را در هم شکسته و برت کردند. دکه داران و دستفروشان در مقابل این اقدام به اعتراضات پراکنده ای دست زدند که منجر بسا دستگیری دو نفرشان گردید. روز ۲۰ تیر ماه ۶۵ در بلوار سندج دکه داران و دستفروشان مورد حمله وحشیانه سرکوبگران قرار گرفتند. مزدوران اجناس آنها را بهم ریخته و پس از آن به کتک کاریشان پرداختند. دکه داران نسبت به این اقدام اعتراض کردند. نیروهای رژیم در مقابل اعتراضات آنها شروع به تیراندازی هوایی نموده و ضمن دستگیری عده ای، اموالشان را نیز غارت کردند.

سال گذشته رانندگان کامیونهای باربری نیز تحت فشار رژیم بودند. رژیم از رانندگان و کامیون

داران می خواست که کامیونهایشان را به خدمت جبهه در آورند. فشار رژیم بر آنها به جایی کشید که کامیونداران شهرهای سقز و سندج و بانه و مهاباد و نقاط دیگر دست به اعتصاب زدند. رژیم بدنبال این اعتصابات اعلام نمود که هر کامیوندار در قبال پرداخت ۱۵۰ هزار تومان می تواند به جبهه برود، که هیچکدام از کامیونداران تن به چنین دستوری ندادند بطور کلی رانندگان ماشینهای مختلف تا کنون چندین بار به کمبود سوخت ماشینهایشان اعتراض دسته جمعی کرده اند. مثلا تعداد کثیری از رانندگان شهر مهاباد که ساعتها در صف دریافت سوخت ماشین توقف کرده بودند به وضع موجود اعتراض می کنند و با پلیس شهر درگیر میشوند و کار به زدوخورد میکشد که سرانجام پلیس برای خاتمه دادن به اعتراضات اقدام به تیراندازی هوایی می کند.

رشد اعتراضات توده ای هر چند خود بخودی و پراکنده بوده است، در سال گذشته رژیم را به عقب نشینی های زیادی وادار نمود. برای اینکه تصویر کاملی از این تحولات توده ای نشان دهیم لازم است وضعیت عمومی توده های شهری را در برخورد به پیشمرگان در سالهای ۶۰ تا ۶۲ را بسا نگاهی گذرا یادآوری کنیم.

از سال ۶۰ به بعد رژیم نهایت تعرض خود را به توده ها شروع کرد. زندان و اعدام به درجه ای رسیده بود که اعتراضات توده ها دچار افت موقتی شد. مزدوران رژیم حتی آشنی و رسوم مذهبی و سنتی توده ها را مورد تعرض قرار داد. مثلا سنگ قبرهای شهدا را در می آوردند و خرد می کردند. احراز برگزاری مجلس ترحیم به خانواده های گسسته فرزندانشان اتمام شده بودند و با در نبرد بسا مزدوران جان باخته بودند را نمی داد. و اگر هم چنین مجالسی بر پا میشد به قیمت چند ماه زندان و شکنجه بود. حو سرکوب و اختناق چنان بود که مردم حرات شرکت در تشییع جنازه پیشمرگان شهید و با اعدام شدگان را نداشتند. بعضی آداب و رسوم سنتی مانند مراسم عروسی بدلیل مخالفت مزدوران رژیم اجرا نمی شد. هر گونه دفاع از خود در مقابل جاشها و پاسداران سرکوب می شد. در سال گذشته فشارهای مردم رژیم را به عقب نشینی واداشت. توده ها در برخورد به عوامل رژیم حالت تعرضی دارند از هیچ مقام دولتی از جاش گرفته تا پاسدار حرات توهین به مردم را ندارند. جاشها که مورد تهنیت شدید مردم هستند، چندین بار توسط خود مردم خلع سلاح شده اند. چندی پیش فرماندار مزدور شهر بانه همراه با شهردار خود فروخته این شهر مسئول بنیاد به اصطلاح مهاجرین، ظاهرا بمنظور بازید و رسیدگی به وضع آوارگان جنگ ایران و عراق به منازل مردم در شهر بانه ریختند. در جریان این بازید فرماندار مزدور به یکی از زنان اهانت نمود عمل فرماندار با مقابله و اعتراض اهالی روبرو گردید و مردم عدم رضایت خود را از عملکردهای این مزدوران ابراز داشتند. دست اندرکاران در شهر بانه در برابر اعتراض و خشم مردم برای نجاسات از دست اهالی خشمگین به فرماندار مزدور توصیه کردند که برای مدتی به صحنه نیاید و در ملا عام ظاهر



سالروز اعلام جهاد خمینی علیه خلق کرد

نشود. و با در شهر مهاباد شهردار به راننده ماشین که حامل مسافر بود توهین می‌کند و شیشه‌های ماشین را می‌شکند. سرنشینان خودرو همراه راننده آن شهردار را بشدت کتک می‌زنند و همچنین شیشه‌های ماشین را خرد می‌کنند. درگیری با اقدام پاسداران به تیراندازی هوایی پایان می‌پذیرد. نمونه ای دیگر: روز ۹ / مهرماه / ۶۵ در ترمینال قش آباد شهردار سنج چند مزدور رژیم که مسلح به اسلحه کمری بوده بدون رعایت نوبت قصد سوار شدن ماشین را دارند، آنها با اعتراض رانندگان روبرو میشوند یکی از مزدوران شروع به تیراندازی هوایی می‌نماید که بلافاصله مورد حمله جسووانه جوانی قرار میگیرد مردم با شنیدن صدای تیراندازی گروه گروه خود را به محل مذکور رسانده و با مزدوران درگیر میشوند و سرانجام عوامل رژیم بدون اینکه بتوانند کسی را دستگیر کنند از محل می‌گریزند.

امروز اگر پیشمرگی شهید و یا رزمنده‌ای اقدام می‌شود، بستگانش مجلس ترحیم می‌گذارند و از سوی مردم با استقبال فراوانی روبرو می‌شود. سردم در تشییع جنازه شهید شرکت می‌کنند. بین خانواده‌های شهیدان کردستان در هر شهری همبستگی قابل توجهی به چشم می‌خورد. این همبستگی گاهی از محدوده یک شهر خارج شده و به شهرها و یا روستاهای دیگر هم می‌رسد. مثلا خانواده‌هایی که فرزندان شهید خود را می‌شناخته‌اند برای دیدار با همدیگر از شهری به شهری دیگر می‌روند.

رژیم فعلا جنازه پیشمرگانی را که شهید می‌شدند و بدست می‌آورد، تحویل خانواده‌هایشان نمی‌داد. (همچنین اقدام تدکان را) اما اکنون بر اثر اعتراضات فراوانی که در این زمینه شده است، رژیم ناچاراً جنازه شهید را تحویل می‌دهد.

اما در تشییع جنازه مزدورانی که بدست توانای فرزندان خلق از پای در آمده‌اند حتی یک در صد از مردم هم شرکت نمی‌کنند. مردم بطور کلی برنامه‌های رژیم را تحریم کرده‌اند. در جریان راهپیمایی‌های ۲۱ و ۲۲ بهمن ۶۵ که رژیم طبق معمول از شرکت تمامی اقشار مردم کردستان دم می‌زند، حر تعدادی از دانش آموزان ابتدایی و کارمندان ادارات و بخشهای مشابه که معطل و ضعیفشان نمی‌توانند شرکت نکنند خبری از توده‌ها نبود. دانش آموزان دبیرستانها و راهپیمایی هم بحدت بدست آمدن فرصت، مقوف راهپیمایی را ترک می‌کنند. مردم از شرکت در نماز جمعه خودداری می‌کنند، "حسامی" مزدور امام جمعه سنج هر بار عذایش در می‌آید که "ای مسلمانان چرا مساجد را حالی کرده‌اید، چرا باید نماز جمعه شهری به بزرگی سنج چنین جمعیت کمی داشته باشد؟" شرکت مردم در انتخابات های رژیم فقط بمنظور سپر خوردن ششنامه هایشان می‌باشد که بدر کوبن گرفتن و غیره می‌خورد. (خود رژیم هم ابراً بخوبی میداند) در اوراق رای اساسی حیوانات خوانندگان و یا کسانی که وجود خارجی ندارند و بعضاً تعدادی از انقلابیون خلق کرد را می‌نویسند. رژیم با مقاومت و اخلاک‌گری توده‌های شهری در تمامی عرصه‌ها روبروست. توده‌های شهری حتی در مهاباد دریافت

ارزاق و کوبین بی نظمی ایجاد می‌کنند. بی نظمی آگاهانه ای که منشاء آن مخالفت با وضع موجود یعنی با رژیم خمینی است.

از حرکت‌های اعتراضی مهم توده‌های شهری در کردستان می‌توان تجمع خانواده‌های زندانیان سیاسی در جلوی دادستانی ها برای آزادی فرزندانشان و راهپیمایی های ضد جنگ شهرهای سنج و مهاباد را نام برد. رژیم در مقابل اعتراضات خانواده‌های زندانیان مجبور به آزادی تعداد زیادی از زندانیان سیاسی شده است. شهر سنج از شروع مجدد جنگ شهرها چندین بار توسط هواپیماهای عراقی بمباران شده است. مردم این شهر در چندین نقطه در اعتراض به ادامه جنگ و برای صلح و آزادی اقدام به راهپیمایی کردند. در شهر مهاباد بعد از بمباران یکی از پر جمعیت ترین نقاط شهر (میدان حیوانات) به محض ورود مزدوران رژیم به نقطه بمباران شده بنا اعتراض وسیع و شدید مردم حاضر در محل روبرو شدند و بناچار محل بمباران شده را ترک کرده بدون اینکه جرات پاسخگویی به فحش و ناسزاها ی مردم را داشته باشند.

از دیگر فشارهایی که در سال گذشته توسط رژیم بر مردم وارد می‌آمد، سربازگیری بود. از سال ۶۲ به بعد سربازگیری وسیع شروع شده و تا کنون ادامه دارد رژیم برای دستگیری مسئولین از شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کند. خانه گردیهای شبانه، حمله به مراکز تجمع جوانان مانند استادبوسها و میادین روزگاری ایجاد پستهای متعدد بازرسی و کلنگاه در دروازه‌های خروجی شهرها، از شیوه‌های دستگیری مسئولین سربازی می‌باشد. رژیم تا کنون تعدادی از مسئولین را دستگیر و روستاها یادگانه‌ها نموده است. شیوه‌های مقاومت مسئولین هم متفاوت است. تعدادی شبها در خانه‌های خود نمی‌مانند. روزها کمتر آلتان می‌شوند، غذای بعد از یک یا دو ماه وقت‌بندی از یادگانه‌ها خارج میشوند(بعنوان مرخصی و یا هر بهانه دیگری) دیگر بر نمی‌گردند. تعدادی هم از دست نیروهای رژیم فرار می‌کنند و به صفوف پیشمرگان می‌پیوندند. مثلا روز ۱۳ شهریور ماه ۶۵، نیروهای رژیم بیش از ۲۰۰ نفر از مسئولین شهر مریوان را دستگیر می‌کند که حدود ۱۷۰ نفر از این افراد توانستند در جریان انتقال به یادگان "محب حمیر" فرار کنند. همچنین در روز ۱۷ شهریور گذشته ۹۰ نفر که در حاده مریوان - سنج توسط پست های بازرسی دستگیر شده بودند، در حال انتقال به ارومیه در نزدیک یکی از روستاها یعنی بوسها را دسته جمعی متوقف نموده و فرار می‌کنند. توده‌ها در فراری دادن مسئولین نقش بسزایی دارند. مسئولین را در خانه‌های خود مخفی میکنند و با با اعتراض دسته جمعی اقدام به آزاد سازی دستگیر شدگان می‌نمایند. روز ۲۰ / سپتامبر / ۶۵ نیروهای رژیم مرکب از شهرنمایی، ژاندارمری و سپاه پاسداران محصلات "اصحابه اسپین"، "کالی صوفی محله" و "مجبور آباد" شهر مهاباد را بقصد سربازگیری به اضفاله خود در می‌آورند. ساکنان این محلات علیه این اقدام اعتراض نموده و شروع به شعار دادن می‌نمایند نیروهای رژیم برای پراکنده کردن معترضین به تیراندازی متوسل می‌شوند. در "مجبور آبسباد"

مردم به خودروهای حامل مزدوران حمله‌ور میشوند و اجازه دستگیری کسی را نمی‌دهند. روز ۲۱ / مرداد ماه ۶۵ مزدوران برای دستگیری مشمولین شهر بانه به خیابانها می‌ریزند و حدود ۱۵۰۰ نفر را دستگیر میکنند. مردم علیرغم کنترل شدید، مشمولین فراری را به خانه‌های خود راه می‌دهند و از خانه گردی نیروهای رژیم جلوگیری می‌کنند. جمعیت بسی حدود ۲۵۰۰ نفر در جلوی ژاندارمری تجمع کرده و خواستار آزادی فوری دستگیر شدگان هستند. در مقابل، نیروهای رژیم به تیراندازی هوایی می‌پردازند. سرانجام بر اثر اعتراضاتی که در لحظه گذشته تر می‌شد حدود ۱۰۰۰ نفر آزاد میشوند.

ب - اعتراضات توده‌ای در روستاها

اعتراضات توده‌ای روستائیان نیز در سال گذشته اوج چشمگیری گرفت. هر روز در چندین روستای کردستان بین مردم و نیروهای رژیم درگیری روی داده است. روستائیان دهها بار دسته جمعی برای اعتراض رو به شهرها نهاده و جلو ارگانهای دولتی تجمع کرده‌اند، کشاکش بین توده‌ها و نیروهای رژیم هرروز اوج می‌گیرد. هر بار یکی از طرفین، طرف دیگر را مغلوب می‌کند و باز هم کشمکش از سر گرفته می‌شود. روستائیان بعلت ارتباط دانشی با پیشمرگان تحت فشارهای بیشتری هستند.

اعتراضات توده‌ای در چند سال گذشته حول این محورها بوده‌اند که سال گذشته این نهادها شدت بیشتری گرفت و نیروهای رژیم بطور کلی مورد حمله روستائیان بودند.

۱- کشمکش بین روستائیان و رژیم بر سر مسئله تسلیح اجباری و تخلیه روستاها و سربازگیری

۲- اعتراض در مقابل برخوردهای مزدوران مستقر در یادگانه‌ها.

بن بست نیروی انسانی رژیم را بر آن داشت تا سیاست تسلیح اجباری را به کردستان هم بکشاند. سیاست رژیم در این زمینه این است که روستائیان کردستان را با لاجبار مسلح کرده تا مقداری انروزی آزاد کند و نیروهای غیر بوسی را به دیگر جنبه‌ها کسبل دارد. از این رو روستائیان تحت شدیدترین فشارها فرار دارند. رژیم برای پیشبرد این امر به ترغیبهای زیر متوسل می‌شود. ۱- روستائیان باید شبها نوبتی نگهبانی دهند. ۲- فتواله‌ها را تشویق به باز پی گیری زمینهای مصادره شدگان از سوی دهقانان می‌ساید و بدین ترتیب سلاح در اختیارشان می‌گذارد. و در مقابل به زحمتشان ابلاغ کرده که در برابر فتواله‌ها برای دفاع از خود سلاح بردارند. ۳- بوسیله اشاعه دردیها و غارت و جپاول، روستائیان را تشویق به مسلح شدن می‌کنند.

روستائیان در مقابل این سیاستهای رژیم تسلیم نشده‌اند و مقاومتشان هر روزه دامنه وسیعتری بخود می‌گیرد. مزدوران رژیم علیرغم قبول یا عدم قبول روستایی، در خانه‌های اسلحه می‌اندازند. و در صورت کم شدن اسلحه، آنها را محکوم به زندان و جریمه نقدی خواهند کرد.

سال گذشته تمامی نقاط کردستان شاهد اعتراضات توده‌ای در برابر تسلیح اجباری که دامنه آن بعضاً تا شهرها و حتی تهران نیز رفته است. بود.

سازوز اعلام جهاد خمینی علیه خلق کرد

در این زمینه میتوان نمونه‌های زیر را ذکر کرد:

در اردیبهشت ماه ۶۵، رژیم تعدادی از روستائیان روستاهای اطراف بوکان را جهت تسلیح تحت فشار قرار داده و آنها را تهدید نمود که در صورت عدم قبول اسلحه، برق و سهمیه ارزاق روستا را قطع خواهند کرد. اهالی روستا در مقابل خواست رژیم دست به اعتراض دسته جمعی زدند و به همین منظور روانه شهر بوکان گشته و در مقابل شهرداری و اطلاعات سپاه پاسداران تجمع کردند و اعلام نمودند که حاضر به برداشتن اسلحه نخواهیم شد. همچنین روستائیان روستاهای "کنده‌سور" و "نامسن آوا" از توابع سقر در اعتراض به سیاست تسلیح اجباری روستاهای خود را ترک نموده و به بیرون از روستا نقل مکان کردند. از گسترده ترین اعتراضات توده ای علیه تسلیح اجباری میتوان مبارزات روستاهای اطراف بانه را نام برد. مزدوران رژیم روز سوم آبان ۶۵ به داخل روستای "خوری آوا" از توابع بانه ریخته و با تحت فشار قرار دادن اهالی در صدد تسلیح آنان برآمدند. مردم روستا متحدا در مقابل نیروهای رژیم مقاومت کردند، اما سرانجام مزدوران تعدادی سلاح در روستا بجای می‌گذارند. در همین رابطه اهالی مبارز روستا دسته جمعی به شهر بانه رفته و خواهان باز پس گرفتن سلاحها شدند. اهالی روستا در ادامه مقاومت خود در مقابل تسلیح اجباری در مسجد آبادی تحمّن کرده و سپس از میان خود نمایندگانسی انتخاب می‌کنند و آنها را برای جلب حمایت روستائیان مجاور اعزام منطقه نموده و دو نفر نیز برای اعتراض روانه تهران میشوند. اهالی روستاهای مجاور هم با فرستادن نمایندگان به روستای "خوری آوا" حمایت خود را از مبارزات مردم این روستا علیه تسلیح اجباری اعلام نمودند و سرانجام رژیم در برابر اتحاد و اراده مردم تسلیم شده و مجبور شد اسلحه‌هایی را که در روستا بجای گذاشته بود باز پس گیرد.

البته رژیم در تعدادی از روستاها موفق به تسلیح اجباری عده‌ای از اهالی شده است. اما تا کنون خیر چندانی از آنها نمیده است. گذشت زمان ثابت کرده که رژیم نمیتواند به اهدافی که در پی تسلیح اجباری روستائیان کردستان، مد نظر دارد برسد. یعنی آنقدر نیرو جمع کند که حفاظت (کردستان را بعهده بگیرند. لذا بدون اینکه از این سیاست دست بکشد اهدافش را در راستای درهم شکستن روحیه مقاومت مردم، و اادار کردن یا عادت دادن به تسلیم و تمکین قرار داده. مثلاً رژیم از اینکه، از روستائیان میخواهد شبانه نرفی یک ساعت نگهبانی بدهند عادت دانشان به روحیه تسلیم و تمکین است در غیر اینصورت میداند که در صورت کوچکترین حمله‌ای از طرف پیشمرگان این افراد در اسرع وقت خود را تسلیم پیشمرگان می‌کنند. همانطور که گفتیم در برابر زور و اجبار عده‌ای تسلیم شده و حاضر به برداشتن سلاح رژیم شده‌اند. اما تا بحال دهها بار فرار کرده و خود را به پیشمرگان رسانده‌اند. مثلاً در اواسط مرداد ماه ۶۵ عده‌ای از روستائیان بخش "فیض الله سبکی" بوکان حاضر به برداشتن اسلحه

رژیم شدند. اما بعد از مدتی حدود ۱۵ نفرشان موفق به فرار از صفوف نیروهای رژیم شدند. تسلیح شدگان اجباری روستای "زنبوری" از توابع مریوان در روز ۶ مهرماه ۶۵ به شهر سنندج رفته و سلاحهایشان را تحویل دادند. همچنین سلاح شدگان اجباری روستای "به لکه" از توابع سقر در مهرماه ۶۵ سلاحهای تحمیلی را پس دادند.

در زمینه سیاست کوچ اجباری هم مقاومت روستائیان همچنان ادامه دارد و اعتراض بدین سیاست روز بروز بیشتر میشود. رژیم از چند سال پیش در صدد آنست که روستاهایی را که توان کنترلشان را ندارد و نمیتواند در آنها پایگاه ایجاد کند از سکنه خالی نماید و اهالی آنها را در جاهایی که خود مشخص کرده اسکان دهد. اما روستائیان زیر بار این امر نرفته‌اند. علیرغم اینکه فشار رژیم هنوز برای این مقصود ادامه دارد تا کنون فقط تعداد معدودی از روستاها تخلیه شده‌اند. (آبیم زمانی که دیگر اثری از روستاها نمانده و مزدوران آن را با خساک یکسان کرده‌اند) توده‌های روستایی سخت مقاومت میکنند، با نیروهای رژیم درگیر میشوند و اعتراض خود را به شهرها می‌کشاند. در مهرماه سال جاری مقامات رژیم برای چندمین بار اهالی روستاهای "قلقله"، "خانمه کون" و "چیزی آوا" و باشماخ را تهدید کردند که باید روستاهایشان را تخلیه کنند. مردم این روستاها در مقابل خواست مزدوران دست به اعتراض زده و به شهر مریوان رفتند و طسوا اعتراض این شهر تجمع می‌کنند و در ادامه اعتراض خود چند نفر را بعنوان نماینده به تهران اعزام میکنند. همچنین اهالی روستاهای تابع شهر سردشت و دهها روستای دیگر کردستان نیز هم فشار و تهدیدات رژیم از تخلیه روستاهای خود، خود را روبرو میکنند.

از فشارهای دیگر رژیم بر روستائیان، دستگیری افراد مشمول سربازی می‌باشد. مقاومت پیروزی در این عرصه در روستاها بیشتر بوده است. نیروهای رژیم با ابعاد وسیع و وحشت به داخل روستاها می‌ریزند و جوانان آنها دستگیر می‌کنند. سال گذشته رژیم در این زمینه با شکستهای مملتحانه‌ای روبرو گردید. چراکه افرادی را در روستاها دستگیر میکردند با مقاومت یکپارچه زن و مرد و پسر و جوان روبرو می‌شدند. روستائیان متحدا جلو خودروهایی سردوران را می‌گرفتند و اجازه خروج از روستا و سفر کردن فرزندان را نمی‌دادند. در سراسر روستاهای کردستان سال گذشته دهها بار زود خورده بین مردم و نیروهای سرکوبگر بر سر دستگیری جوانان روی داده است. در ۷ شهریور ماه ۶۵ نیروهای رژیم حبهت دستگیری مشمولین سربازی وارد روستای "ساوان" از توابع بانه می‌شوند و ۱۵ نفر را دستگیر میکنند. اما با مقاومت مردم روستا روبرو گشته و بعد از زود خوردن‌های فراوان بین روستائیان و نیروهای رژیم دستگیر شده‌گان آزاد میشوند. همچنین پیسورش نیروهای رژیم به روستای "تینال" در بخش "بسه رمله ی سارال" سنندج برای دستگیری مشمولین با مقاومت مردم روبرو شده و به شکست منجر میشود. روز ۱۷ مرداد ۶۵، مزدوران رژیم روستاهای "بابنجو" و "هاله‌مزه" با لا و پایین از توابع سنندج را محاصره می‌کنند و بعد داخل روستا پیسورش

برده و ۱۲ نفر را دستگیر می‌نمایند. اهالی روستا متحدا برای آزادی دستگیر شدگان بطرف پایگاه راه می‌افتند. مزدوران پایگاه سنگر می‌گیرند، اما مردم با چوب و سنگ به آنان حمله‌ور میشوند. نیروهای مستقر در پایگاه شروع به تیراندازی هوایی می‌نمایند ولی مردم عقب ننشسته و وارد پایگاه میشوند و خود مستقیماً دستگیر شدگان را آزاد میکنند. در این جریان چند تن از مزدوران رژیم مشروب میشوند. مردم پس از آزادی دستگیر شدگان بطرف شهر سنندج راه می‌افتند، نیروهای مستقر در شهر به محض اطلاع از این جریان با چند خود رو مسیر آنها را مسدود میکنند. اما بالاخره از بیم گسترش اعتراض یکی از مسئولین شهری رژیم قبول تعویض فرمانده پایگاه مذکور را میدهد. شبیه چنین اعتراضات وسیعی در دیگر نقاط کردستان بسیار روی داده است.

روز ۹ مرداد ۶۵، مزدوران پایگاه عملیاتی مروجردی به داخل روستای "الک" از توابع کامساران ریخته و بعد از خانه گردی و آزار و اذیت روستائیان چند نفر را دستگیر می‌کنند. مردم نسبت به این اقدام اعتراض کرده و با آنان درگیر میشوند. مزدوران در مقابل اعتراض دسته جمعی مردم دست بسته تیراندازی هوایی زده و مردم را مورد حمله قرار می‌دهند و ۲ نفر را دستگیر میکنند. مردم روستا برای آزادی این دو نفر به شهر کامساران رفته و جلو سپاه پاسداران تجمع می‌نمایند. سرانجام به همت مردم ۲ نفر دستگیر شده، آزاد می‌گردند.

رژیم از طریق قطع برق و سهمیه‌های ارزاق نیز روستائیان را برای معرفی مشمولین سربازی تحسنت فشار قرار می‌دهد. اما این شیوه هم تا کنون نتوانسته مردم را به حایب یکساند که فرزندان خود را با دست خود تحویل رژیم دهند.

لازم به توضیح است که تعدادی از مشمولین سربازی در کردستان که حاضر به قبول تک "سرباز خمینی" بودن نیستند، میتوانند صفوف پیشمرگان را انتخاب کنند. اما در سال گذشته که جنگ کومله و حزب دمکرات همچنان ادامه داشت، تعدادی از این افراد از پیوستن به صفوف پیشمرگان خودداری ورزیده‌اند.

برخورد روستائیان با افراد مستقر در پایگاهها عرصه دیگری از تضاد توده‌ها با رژیم است. مزدوران مستقر در پایگاه هر از چند گاهی بداخل روستاها می‌ریزند و روستائیان را به سپانه‌های مختلفی چون کسک و ارتباط با پیشمرگان زیر ضرب و شتم قرار میدهند و یا از آنان می‌خواهند که برایشان نشان بیزند و یا بعضی وسایل تدارکاتی شان را تهیه کنند. اهالی اکثر روستاها در مقابل این درخواستها جواب منفی داده‌اند. تعدادی از روستاها هم که قبول کرده بودند، بعد از مدتی حاضر به ادامه کار نشدند بر سر همین مسائل هر روز در این روستاها بین مردم و افراد پایگاه زود خورد روی می‌دهد. گاه مزدوران اقدام به دستگیری "محرکین" اعتراض می‌نمایند که در سال گذشته هر کجا اقدام به دستگیری حتی یک نفر از روستا کرده‌اند اهالی بطور دسته جمعی جلو مزدوران رژیم را گرفته و دست به اعتراض زده‌اند و غالباً پیروزی با آنها بوده است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

نقش زنان در جنبش خلق کرد

مبارزه کمونی خلق کرد با رژیم ضد انسانی خمینی دارای ویژگی خاصی است که همانا شرکت فعال زنان در این مبارزه است. با نگاهی اجمالی به تاریخ ۸ ساله مبارزه در کردستان بخوبی میتوان به این ویژگی پی برد و دریافت که وجه تمایز شورشیها و جنبش های سالهای گذشته چه تفاوت اساسی با وضعیت کمونی جنبش خلق کرد در کردستان دارد.

برای اینکه بتوان بخوبی از شرکت فعال زنان در مبارزه اخیر آگاه شد، باید چگونگی ایسب فعالیت ها را در شهر و روستا بطور جداگانه مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.

مبارزه در شهرها: زنان و دختران این بخش، از آگاهی زیادی نسبت به مسائل جنبش برخوردار بوده و بصورت منظمی به فعالیت پرداخته و می پردازند. مبارزه دختران دانش آموز در مدارس علیه جاسوسان امور تربیتی و انجمن اسلامی مدارس، مبارزه بر ضد حجاب اجباری و شرکت مستقیم در مبارزه مسلحانه از وجوه بارز این فعالیت ها می باشد. با ورود پیشمرگان به داخل شهرها، زنان در شناسایی پایگاههای رژیم و جاسوسان خود فروخته و همچنین در بخش حرات و نشریات و اعلامیه های سازمانهای درگیر در کردستان از نقش بسزایی در این مورد برخوردارند.

اکنون در صفوف پیشمرگان در کردستان تعداد بسیار زیادی از زنان و دختران شهری که بیشتر، دانش آموز و محصلان مدارس و بطور کلی طیف روشنفکران را در بر می گیرد، شرکت داشته و با در دست گرفتن سلاح مستقما علیه رژیم می جنگند.

در سال ۵۸ و ۵۹ در جنگهای داخل شهرهای سنندج و سقز زنان نقش برجسته ای بر عهده داشتند و تعدادی از این زنان انقلابی و مبارز بدست حیلادان رژیم خمینی به جوخه های اعدام سپرده شدند.

مبارزه در روستاها: فعالیت در این بخش به علت ارتباط مستقیم با پیشمرگان و رهنمودهای روزمره آنان از تنوع بیشتری نسبت به شهرها برخوردار است. زنان روستا از هر گونه شیوه ای برای مبارزه با رژیم استفاده میکنند، از تامین پوشاک و خوراک برای پیشمرگان تا رومارویی مستقیم با مزدوران رژیم در مواقع پورش یاسداران و جاش ها به روستاهایشان و همچنین مبارزه مسلحانه در صفوف پیشمرگان از اشکال متنوع این مبارزه می باشد.

یاسداران و جاش های سردور هنگام پورش به روستاها برای سرماز گیری اجباری و با غارت اموال اهالی زحمتکش با مقاومت قهرمانانه و سرخشانه زنان مبارز مواجه گردیده و تجربه کرا را نشان داده که در روستایی که اتحاد بیشتری بین اهالی بوده و بصورت یکپارچه عمل کرده اند، رژیم هیچگونه کاری از پیش نبرده و نه سیاست ضد خلقی خود ناشل نگردیده است. سلاح زنان انقلابی در این مواقع بیشتر چوب و چماق است که با همین ابزار گاهی اوقات آنچنان به مزدوران پورش برده اند که باعث هلاکت رسیدن جنایتکاری گردیده است. فعالیت زنان انقلابی روستا به همین اشکال و شیوه های مبارزه محدود

نمی باشد. آنان در شناسایی و مجازات خود فروشان و همچنین شناسایی پایگاههای رژیم نقش بسزایی را ایفا کرده اند. حتی گاهی اوقات هنگامیکه پیشمرگان برای استراحت به خانه هایشان میروند خود مسئولیت نگهبانی و حفاظت پیشمرگان را بر عهده می گیرند. تمامی مواردی که در بالا ذکر گردید تنها گوشه ناچیزی از شرکت فعالانه زنان قهرمان کردستان در مبارزه علیه رژیم خمینی است. رژیم ضد خلقی بخوبی از نقش زنان مبارز در این جنبش آگاه است. این جنایتکاران از هر شیوه ای برای سرکوب و جدایی زنان از این جنبش استفاده می نمایند. در شهرها، با ایجاد جو ارباب و وحشت در مدارس و دستگیری و شکنجه بیرحمانه دختران دانش آموز و در روستاها با ویران کردن خانه ها و غارت اموال زحمتکش و کوچ اجباری آنان، می خواهند به خیال خام خود آنان را از راهی که در پیش گرفته اند باز دارند. نائل از اینکه با رشد مقاومت سراسری و افزایش عملیات های مسلحانه انقلابی ویرانگر علیه رژیم در کردستان همجوقت به این آرزوی ضد انقلابی خود نخواهند رسید. دور نیست روزی که خلق بپا خواسته ایران رژیم پوسیده و ارتجاعی خمینی را از بیخ و بن ریشه کن سازند.

در اینجا به چند نمونه از مبارزات زنان روستایی و شهری اشاره می کنیم:

در سپهرماه سال ۶۵، زنان دو محله مهاباد بخاطر کمبود آب و بستر لوله ها از سوی اداره آب و برق رژیم، دست به اعتراض زده و پیاده به طرف فرمانداری شهر برای اعطای لوله و در مقابل فرمانداری تجمع نموده و مسئولان رژیم را در صورت باز نکردن لوله های آب تهدید به شکستن شیشه های فرمانداری می کنند. روز بعد فرماندار و جمعی از مقامات به منظور انداختن هزینه لوله کشی بر دوش زحمتکش این دو محله جلسه ای برگزار میکنند. هنگام تشکیل جلسه بار دیگر با اعتراض زنان و تجمع مجدد آنان روبرو میشوند. در همین ماه نیروهای رژیم جهت سرمازگیری به روستای "قهرملی" از توابع بوکان پورش برده و ضمن شرب و شتم روستائیان تعدادی از مسئولین سرمازی را دستگیر و سوار خودروهای خود می کنند. زنان قهرمان روستا بطور دسته جمعی جلو ماشینها را می گیرند و شیشه های آنها را با چوب و سکه خرد می کنند. مزدوران رژیم ناچاراً دستگیرندگان را آزاد می نمایند.

در ۲۵ بهمن ۶۵، جاشها و یاسداران خود فروخته و خائن مستقر در پایگاه روستای "لمیزی" در منطقه گورک ریبه به اهالی روستای "سونی" که مشغول برگزاری مراسم غروسی یکی از اهالی بودند هجوم برده و به بهانه وجود پیشمرکه در مراسم دست به خانه گردی میزنند و به اهالی و شرکت کنندگان مراسم توهین می کنند. مزدوران با مقابله زنان و دختران قهرمان روستا روبرو می شوند و سه نفرشان توسط آنها خلع سلاح میشوند.

در مجموع مبارزه زنان و مردان قهرمان کردستان علیه رژیم خمینی طی ۸ سال گذشته همواره ادامه داشته و رژیم نتوانسته است هیچگاه این مردم دلیر را به تسلیم وادارد. تودیدی نیست که مبارزه قهرمانانه خلق کرد، سرانجام به پیروزی خواهد رسید

جهاد در خدمت سرکوب

از صفحه ۱

در میان روستائیان است، بدحو احسن انجام دهند. همانطور که گفتیم این نهاد برای رسیدگی به وضعیت عمرانی روستاها تشکیل گردید ولی بجای رسیدگی و بهبود این امور و بجای اینکه تسهیلاتی از قبیل دبستان، درمانگاه و لوله کشی آب و برق و غیره را برای این مردم محروم فراهم نماید، سعی کرد با نفوذ در بین آنان جنبش دهقانی را که در اوایل انقلاب رعیتهای زرعی اربابان را مصادره کرده بود مهار نماید و مراکز و نهادهایی در خدمت بسج نیرو برای جنبه های خانمانسوز ایجاد کند و غیره...

این نهاد بر حسب نیازهای شهر و روستاها و منطقه ای رژیم سازماندهی شده است. مثلا در شهرها وظیفه اش اینست که تسهیلات میادین مرگ و بیسنی رژیم را تامین نماید و برای اینکار تا آنجا که میتواند با مزد ناچیزی از کارگران کار می کشد کارگران بیکار و آوارگان جنگی طعمه مناسبی برای این نهاد است تا آنها را بخدمت بگیرد. از محصلین هم برای پیش بردن کارهایشان استفاده می کند. مثلا در سال ۵۹ به هنرستانهای صنعتی تهران و حومه مراجعه کرده بود که از هنرجویان سال چهارم رشته انومانیک استفاده نماید تا این هنرجویان بجای دو روز کارگاهی که در هفته دارند در یکی از کارگاههای این نهاد کار کنند و ماشینهای که از جنبه مرگ و نیستی آورده می شود و یا ماشینهای ارگانهای سرکوبگر که خراب شده است را تعمیر کنند که البته اکثریت هنرجویان با این کار مخالفت کردند و ناراضی خود را بطرق مختلف نشان دادند.

در روستاها نیز هر کاری را که انجام داده است برای همان مقاصد شومی است که قبلا ذکر کردیم. البته در تمام روستاهای مناطق به یک شیوه عمل نکرده. مثلاً در کردستان نقشی که ایفا می کند جزئی از سرکوب جنبش خلق کرد است. جهاد با اصطلاح سازنده کی با احداث جاده و پایگاههای نظامی و سنگر سازی در کوهستانهای صعب العبور نقش خود را در سرکوب خلق کرد ایفا می کند و اما این نهاد ارتجاعی در خط مقدم جنبه ها حضور دارد. بطور خلاصه وظیفه اصلی آنها در جنبه تعمیر ماشین آلات و خودروهای نظامی و احداث راههای نظامی و خاک ریزها می باشد در کل اکنون این نهاد به نهادی تبدیل شده که

در همه صحنه ها وجود دارد و بصورت یک ارگان رسمی در آمده که مانند تمام ارگانهای دیگر رژیم دارای وزیر می باشد که زنگنه ی مزدور سمت وزارت این نهاد را عهده دار می باشد. در روز ۲۷ خرداد امسال که آغاز نهمین سال تشکیل جهاد سازندگی بود زنگنه و دیگر مسئولین این نهاد با منتظری ولیمید نادان خمینی ملاقات کردند و گزارش کار یکساله خود را به او دادند. ولیمید خمینی برای خالی نبودن عریضه، چیزی را عنوان کرد که نه تنها خود او، بلکه ولی اش هم به این موضوع کوچکترین

در صفحه ۱۰

و خلق کرد در اتحاد با خلق های سراسر ایران، رژیم خمینی را سرنگون خواهد نمود و به صلح و آزادی و خودمختاری دست خواهد یافت.

قطعهنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد پیرامون جنگ ایران و عراق

"شورای امنیت، با تأیید قطعهنامه‌ی شماره ۵۸۲ (مورخ ۱۹۸۶) خود، با نگرانی شدید از اینکه علیرغم فراخوانش به آتش‌بس، جنگ بین ایران و عراق با تلفات انسانی سنگین‌تر و خسارات مادی بدون توقف، ادامه داشته است؛ با ابراز تأسف از شروع و ادامه این جنگ، و همچنین با ابراز تأسف از بهمان‌راکز کاملاً غیرنظامی، حمله به گشتی‌ها یا هواپیماهای غیر نظامی بی‌طرف، نقض قانون بین‌المللی بشردوستانه و دیگر قوانین مربوط به منازعات مسلحانه و بویژه بکار بردن سلاح‌های شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، نسبت به تشدید و گسترش بیشتر این جنگ عمیقاً نگران می‌باشد و مصمم است که به تمام عملیات نظامی بین ایران و عراق پایان بخشد و متقاعد است که بک رامل جامع، عادلانه،

آبرومندانه و پایدار بین ایران و عراق حاصل گردد.
[شورای امنیت] با یادآوری مقررات منشور ملل متحد و بویژه تمهید همین کشورهای عضو برای حل اختلافات بین‌المللی خود از راه‌های مسالمت آمیز به نحویکه صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت در معرض خطر قرار نگیرند؛ و در حالیکه تشخیص می‌دهد که در رابطه با اختلاف بین ایران و عراق، صلح نقض گردیده است، و در حالیکه بر اساس مفاد ماده ۴۰ منشور ملل متحد عمل می‌کند؛
۱- خواهان این است که ایران و عراق بدون اولین گام برای دست‌یابی به راه‌حلی از طریق مذاکره، با یک آتش‌بس فوری، قطع همی عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا را مراعات کنند و همی نیروها را بدون تأخیر به مرزهای برسیست شاخته شده‌ی بین‌المللی

برگردانند؛
۲- از دبیرکل تقاضا می‌کند که تمیی از ناظران ملل متحد برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی گسیل دارد و همچنین تقاضا می‌کند که دبیرکل ترتیبات لازم را برای مشورت با طرفین و ارائه‌ی گزارشی در مورد آن به شورای امنیت بدهد؛
۳- خواهان آزادی اسرای جنگی و بازگشت بدون تأخیر آنان به وطنشان بعد از توقف عملی خصومت‌ها، مطابق کنوانسیون سوم ژنو مورخ ۱۲/اوت/۱۹۴۹ می‌باشد؛
۴- از ایران و عراق می‌خواهد که با دبیرکل در پیاده‌کردن این قطعهنامه و در تلاش‌های میان‌چهرانه برای دستیابی به یک رامل جامع، عادلانه و آبرومندانه، مورد قبول هر دو طرف، در مورد همی مسائل

حل‌نشده و مهم بر اساس اصول مستتر در منشور ملل متحد همکاری کنند؛
۵- از تمام کشورهای دیگر خواهان بکار بردن حداکثر خوبشنداری و اجتناب از هر عملی که منجر به شدت و گسترش بیشتر این جنگ بشود می‌باشد و لذا خواهان کمک در تسهیلات پیاده‌کردن قطعهنامه‌ی حاضر می‌باشد؛
۶- از دبیرکل تقاضا می‌کند که با مشورت با ایران و عراق مسئله‌ی گماردن یک هیئت بیطرف برای تجسس در مورد مسئول این جنگ و گزارش به شورای امنیت در اسرع وقت را مورد کاوش قرار دهد؛
۷- ابعاد خسارات وارده در طی این جنگ و نیاز به تلاش برای بازسازی، با کمک‌های مناسب بین‌المللی را بعد از اینکه این جنگ خاتمه یابد برسیست می‌شناسد و در این رابطه از

دبیرکل تقاضا می‌کند که تمیی از مشخصی برای مطالعه‌ی مسئله‌ی بازسازی تعیین کند و به شورای امنیت گزارش دهد؛
۸- علاوه از دبیرکل تقاضا می‌کند که از طریق مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه اقداماتی برای افزایش امنیت و ثبات در منطقه را مورد بررسی قرار دهد؛
۹- از دبیرکل تقاضا می‌کند که شورای امنیت را در جریان پیاده‌شدن این قطعهنامه قرار دهد؛
۱۰- تصمیم می‌گیرد که در صورت نیاز برای بررسی اقدامات بیشتری جهت حصول اطمینان از مراعات این قطعهنامه مجدداً تشکیل جلسه دهد."



برخی از رویدادهای تاریخی

- ۱۹۳۵- کنگره هفتم کمینترن کار خود را آغاز کرد
- ۱۹۴۵- بمباران اتمی "هیروشیما" و "ناگازاکی" توسط دولت حمایتکار امریکا
- ۱۹۵۲- قیام اسران جوان مصر به رهبری جمال عبدالناصر فقید
- ۱۹۵۲- حمله انقلابیون کوبا به رهبری فیدل کاسترو به پادگان مونکارا
- ۱۹۶۱- تاسیس جبهه ساندینیستا
- ۱۹۷۲- مقاومت قهرمانانه فلسطینی‌ها در اردوگاه تل زعتر
- ۱۹۷۵- امضاء موافقت‌نامه هلسنکی توسط دولت‌های اتحاد شوروی و امریکا و تعدادی دولت‌های دیگر

پیرامون شکست جنبش ملی

۲۸ مرداد ۱۳۲۵ از صفحه ۴
این دیدگاه شما با مسئله "رهبری" برخورد صرفاً تئوریک نداشته، بلکه بطور مشخص "انحصار تکتیک قهر آمیز" را بمثابة ابزار اصلی تحقق رهبری در آن شرایط شخص معرفی می‌کند.
شکست شما نوبتیکه حرب توده در ۲۸ مرداد، شکست راه حل‌ها، برآمدها و شیوه‌های عمل حزب توده و شکست درک غیر علمی از "انقلابیونالیزم" بود. ترکی که مناسباتی دنباله روانه و خویچه‌گرانه را جایگزین مناسبات برابر، مستقل و بدون دخالت در امور داخلی بکنید می‌کند.
کمونیست‌های انقلابی ایران اگر بخواهند تاریخ همان قضاوتی را که در مورد حزب توده میکنند، در مورد آنان ترماید یابد با راه حل‌ها، برنامه‌ها و شیوه‌های حزب توده تسویه حساب و تعیین تکلیف قطعی نمایند. این مسئله که سلما، و بر اساس تجربیات جنبش ملی، نمی‌تواند در خصوص شما "سوسیالیسم موجود" متحقق شود، مهمترین درس شکست جنبش ملی در ۲۸ مرداد برای انقلابیون می‌باشد.

جهاد در خدمت سرکوب

از صفحه ۹
اعتقادی ندارد. او می‌گوید: "باید به مردم کشاورزی مدرن را آموخت و در جهت مدرنیزه کردن کشاورزی و افزایش برداشت محصول تلاش کرد تا از نعمتهای الهی مثل آب و زمین کمال استفاده را در جهت تولید و رشد بنمائیم."
چیزی که اصلاً با نظام رژیم خمینی مغایرت دارد. زیرا که اگر به چنین چیزی اعتقاد داشتند که به رشد و کشاورزی و دامداری اهمیت بدهند وضعیت بدین منوال نمی‌بود، که کوچکترین مواد غذایی را وارد نمایند. همچنین در همان سخنرانی عنوان می‌کند که "شما نباید تنها به امکانات دولت اکتفا کنید. چه با صندوقهای قرض الحسنه و افراد خیری هستند که مایلند پولشان را در جهت خدمت به مردم صرف کنند. شما می‌توانید با حزب آنها و استخدام نیروهای مخلصی طرحهای خدماتی و فرهنگی بسیاری انجام دهید" یعنی عملاً هیچ چشمداشتی به دولت نداشته باشید و برای طرحهایشان از امکانات خود مردم استفاده کنید.
در کل جهاد ویرانی هر عملی که چه در شهرها و چه در روستاها انجام داده فقط در جهت بوجود آوردن زمینه هر چه بیشتر سرکوب از طرف سرکوب گران بوده است. اکنون بعد از سالها تشکیل ایمن ارگان که برای "آبادی و عمران روستا بوجود آمده بود" جزئی ترین خواست روستاییان و زارعین برآورده نشده و هنوز در اکثر روستاهای میهنمان دهقانان با همان ابزار ابتدایی کار می‌کنند.

نگهبان این طرح در جلسه علنی مجلس شورای ارتجاعی در تاریخ ۲۲ تیر ماه مورد تأیید قرار گرفت. بموجب این قانون طرز شده سن افراد برای خدمت دوره شورت از ۱۶ سال به بالا است، یعنی اینکه دولت حق داشته باشد که افراد ۱۶ ساله را طبق طرح با اصطلاح قانونی بعنوان سربازی که موظف به خدمت وظیفه می‌باشد اجتناب نماید که البته این قانون ارتجاعی تصویب نرسید. با لایحه رژیم سعی میکند با اما و اگرها و تبصره هایی که در لایحه

تصویب یک قانون ارتجاعی دیگر از صفحه ۳

گرفته و بزور به جیبها می‌ریخته. حتی در این اسر از هیچ جنبایشی انا نداشته و برای حل این بحران‌ش از خردسالان استفاده می‌نماید. رژیم برای برون رفت از این بحران لایحه‌ای را در مجلس ارتجاعی اش به تصویب رساند مبنی بر اینکه مدت خدمت اجباری به ۲۰ ماه برسد و اگر افرادی یکسال از مدت خدمتشان را در جیبها گذرانده باشند در اینصورت از ایمن قانون مستثنی هستند و طبق قانون قبلی با آنان رفتار میشود یعنی همان ۲ سال خدمت میکنند. در اینجا مشخص است که هیچ سربازی حاضر به آن نخواهد شد که یکسال استوائی از طول خدمتش را در جیبهای مزگ سر برد، در اینصورت در اینجا تمام مسائل بنفع رژیم بر می‌گردد و برکه برنده از آن رژیم خواهند شد و رژیم خواهد توانست از هر فردی که به سربازی می‌رود ۲۰ ماه تمام استفاده نماید تا جوابگوی نطقش سری نسبت به جنایات خویش باشد. رژیم به ایمن قانون ارتجاعی اکتفا نکرده و هر دیگری را برای سربست به مجلس ارتجاعی داد که با دخالت شورای

ضد مردمی اش می‌ورد نیروی دافی برای نظام مسلح خویش تامین نماید. حال بهر صورتی که باشد و خود بخوبی میفانند که در غیر اینصورت مرکز زدند سررسد و برای بتعمیق انداختن آن حاضر است هر کاری انجام دهد حتی اگر لازم باشد کودگان ۸۷ ساله را هم به جیبها اعزام می‌دارد.

بازهم وقاحت و دروغ

رئیس جمهور جنابکار رژیم در نماز جمعه ۱۲ تیر ماه امسال باز دیگر دروغی بزرگ تحویل مردم داد.

خاسته‌ای با کمال وقاحت بدببال وصف سراسر دروغ عملیات شکست خورده نصر ۲ که شمار تلفات آن بدون هیچ دستاوردی بالغ بر ۱۰ هزار نفر بود، اعلام کرد: "رزمندگان ما توانستند مرزهای جمهوری اسلامی را که محل تردد ضد انقلاب بودند ببندند." چنین دروغ‌های پهلپهلپه‌ای تاریکی ندارد و در آینده نیز سران رژیم از چنین دروغ‌هایی تحویل مردم خواهند داد.

رئیس جمهور رژیم در حالی دم از بستن مرزها می‌زند که اولاً چند ماه پیش رفتجانی در جریان عملیات نصر ۱ که بمنظور ضربه زدن به پایگاه‌های مقاومت انجام گرفت از نابودی مزارع، پایگاه‌های "ضد انقلاب" و به اسارت در آوردن تعدادی از "منافقین" و "گروهکها" دم زد و در ثانی در همین روز یعنی ۳۱ خرداد ماه دهها عملیات علیه نیروهای رژیم در داخل خاک کردستان انجام گرفته است و همچنین اگر تا دیروز نگرانی رژیم از مرزهای استان کردستان و آذربایجان غریبی بود، امروز دچار نگرانی و گرفتاری دیگری نیز شده است. مرز استان کرمانشاه و ایلام نیز برای رژیم ناامن شده و نیروهای ارتش آزادیبخش ملی به آنجا راه یافته‌اند. شمار عملیات نظامی در غرب کشور علیه رژیم به عدد از عملیات نصر ۲، پاسخ‌دهنده‌اشکنی است به ساوا - رای‌های سران رژیم.

پیروزی یا فضاخت

رژیم خمینی با ادامه جنگ خانمانسوز ایران در عراق، هر روز در پس پس این جنگ بیشتر نیرو میبرد. خمینی جنگ را برای ادامه سیاستهای ارتجاعی اش لازم دارد. بدین جهت هر روز دم از پیروزی می‌زند تا بتواند تصور جنگ را گرم نگه‌دارد و مردم ایران را هر چه بیشتر به کوشش دم توپ خود تبدیل کند. نگاهی به گفته‌های سران رژیم نشان میدهد که پیروزی برای رژیم بصورت یک سراب درآمده است. در حالیکه فضاخت برای آنان یک واقعیت است. ابتدا به این گفته دقت نمائید:

در تاریخ ۶۲/۱۱/۱۲ خمینی طی یک سخنرانی دستور داد که مقامات مسئول هر چه زودتر جنگ را بسود رژیم خاتمه دهند. در همین روز منتظر سری خواستار گردید که دست اندرکاران هر چه زودتر برای یکسره کردن مسئله جنگ برنامه‌ریزی کنند. بعد از سه سال و اندی، و پس از شکست‌های متوالی سران رژیم باز هم از پیروزی دم می‌زنند. به گفته‌های زمر که طی ماههای اخیر گفته شده توجه کنید، تا عمق ردالت سران رژیم بیشتر آشکار شود.

خاسته‌ای در مراسم نماز جمعه ۲۲ بهمن ۶۵ طی سخنانی اعلام کرد: "هدف ما تنبیه متجاوز است و در نهایت قدرت این هدف را ادامه می‌دهیم و آسپایی که می‌گویند این جنگ برنده ندارد اشتباه می‌کنند." همچنین در همین سخنرانی می‌گوید:

رزمندگان ارتش آزادیبخش ملی به فاصله ۱۸ روز بعد از عملیات نصر ۲ (۶۶/۳/۲۱) در جریان سه رشته تعرض به پایگاه‌های دشمن ۲۲ پایگاه را در هم کوبیدند که ۲ پایگاه آنرا به تصرف در آوردند، ۲۰۱ نفر را به هلاکت رسانند. ۲۲۸ تن را زخمی کرده و ۸ تن را به اسارت در آوردند. پیشمرگان حزب دمکرات کردستان ایران طرف ۱۵ روز بعد از عملیات نصر ۴ طی چندین رشته عملیات ۱۱۲ نفر از مزدوران رژیم را کشته و زخمی کردند و ۷ نفر را به اسارت در آوردند.

پیشمرگان کومله به فاصله ۱۵ روز بعد از تهاجم نصر ۴ در جریان اسددام و تصرف چندین ستون و گروه ضربت و پایگاه رژیم و نفوذ به داخل شهرهای کردستان مجموعاً ۱۰۴ تن از مزدوران رژیم را به هلاکت رساند، ۸۶ تن را به اسارت در آورده و ۲ نفر را نیز زخمی کردند. در جریان عملیاتهای نیروهای مذکور صدها قبضه سلاح از انواع مختلف از جمله توپ ۱۰۶، خمپاره‌انداز دو تنگا، کالیبر ۵۰، سی. کی سی، آر بی جی ۰۰۰ و غیره به غنیمت گرفته شده است.

واقعیت این است که همچنانکه رژیم شاه آرزوی بستن مرزهای منطقه کردستان را بگور برد، جلاد چهاران نیز این آرزو را بسان بسیاری آرزوهای دیگر بگور خواهد سپرد.



" همه کسانی که در باب مسئله جنگ می‌خوان اطلاع داشته باشند ۰۰۰ می‌کم این جنگ تا سقوط رژیم یعنی اقلی قطعاً ادامه پیدا خواهد کرد."

رئیس‌حالی در مراسم نماز جمعه ۶۶/۱/۲۸ تهران اعلام کرد: "بگذارید ملت‌های منطقه تکلیف خودشان رو روشن بکنن، راه خیلی روشن هم ایسه که یک متجاوز جنگ امروز شروع رو محاکمه بکنیم، یک ملت رو آزاد بکنیم."

خمینی در ابتدای سال جاری گفت: "سدام رفتنی است همین روزهاست که انشا‌الله بهمین زودی او برون."

"جنگ شش ساله ایران با عراق با تنبیه متجاوز و از سوی ایران رو به اتمام است." (گفته ولایتی)
رادیو رژیم طی تفسیری در تاریخ ۶۶/۱/۱۷ می‌گوید: "بعد از عملیات کربلای ۵ سربوشت محتوم رژیم سدام نزدیکتر شد و احساس خطر بیشتری برای رفتن سدام وجود دارد"

خمینی در مراسم عید فطر امسال گفت: "ملت ایران باید به فکر باشد اگر لحظه‌ای سستی کند تا ابد له است الان که سدام به جهنم دارد میرد و انشا‌الله میرد وقت این است که شما حدیثتون زیاد تر بشه"

خاسته‌ای در نماز جمعه ۶۶/۲/۸ تهران گفت: "ما سیاستهای اوتولیمون رو تغییر ندادیم و تغییر نخواهیم داد. ما تا وقتی که رژیم متجاوز عراق و سدام بر سر کار هست، شربت خودمون رو در مرزهای خشکی در میدانهای تبره و جنگ بر این رژیم وارد نخواهیم کرد."

رادیو رژیم طی تفسیری در تاریخ ۶۶/۲/۱۲ گفت:

مبارزه با رژیم و قتل را سادرون با تکریم و حال را

شعی انقلابی مسلحانه‌اند، درک سطحی از رابطه با توده‌ها دارند، درکشان از مبارزه سیاسی طبقه کارگر اکتونومیستی است، فقدان درک علمی از مناسبات طبقاتی (برخورد سکناریستی - آناشرستی با دمکراتهای انقلابی)، خصوصیت ونفی دستاوردهای پرولتاریای جهان، سکناریسم در تاکتیکیهای روزمره فقدان هر سیاست ایجابی (یعنی مشخصه اصلی آناشریسم) و بالاخره اعدای رهبری جنبش ۱ - سل از اینکه این امر را نشون بدهند از خصوصیات اصلی این جریان می‌توان شمرد ۰۰۰

هزاران که با حمید گرم صحبت ایم می‌بینیم یکی میزها را دارند جمع می‌کنند، با حمید قرار می‌گذاریم در یک فرصت مفصلاً راجع به این جریان صحبت کنیم. چرا که شناخت هر چه بیشتر از "دوستان و دشمنان" حلقمان ما را در امر پیشبرد مبارزه یاری می‌کند.

"فروشنده‌ها" ساک بدست دور می‌شوند و من با خود می‌انیدیم، بنین این افراد باید تعدادی پیدا شوند که به آزادی فکر میکنند باید تعدادی باشند که به مبارزه ایمان دارند، باید ۰۰۰

و با خود می‌گویم آیا زمان آن فرا نرسیده که اسراد "صادق" بهم نزدیکتر شوند، آیا زمان آن نیست به تشتت و پراکندگی در درون طبقی از نیروهای خلقی پایان داده بشه ۰؟ بعد بیاد گل‌سرخ می‌افتم به اندیشه‌اش، که در شعر تیلبور یافته ۰ "ای یاران دردمان یکی است، بیاشید صدایمان را نیز یکی کنیم ۰۰۰"

می‌بینم حمید با خود زمزمه میکند

باید که دوست بداریم یاران

من نیز همراهی اش می‌کنم

"فریادهای ما، اگر چه رسا نیست

باید یکی شود، باید یکی شود ۰۰۰"
یکی از هواداران "شورا" را می‌بینم با کوله پشتی بر از اعلامیه نزدیک میشود، لباش گل انداخته مثل اینکه از ته دل خوشحال است. اینو براحتی میسه از قیافه‌اش بخوانی ۰

- سلام بچه‌ها ۰ خبرهای جدید رو که شنیدید، جاهدین هفت پایگاه رژیم رو زند و ۰۰۰ ادامه میدهد ۰۰۰ ارتش آزادیبخش ملی هم که تشکیل شد ۰۰۰

اعلامیه را می‌دهد و با عجله دور میشود ۰ من و حمید به همدیگر نگاه می‌کنیم، قدصایمان تندتر می‌شود ۰

خرداد ۶۶

ج - فرهاد

" آنچه مشخص است ۰۰۰ اینست که هیچ پایانی برای این جنگ جز سرنگونی حزب فاسد بعث عراق وجود ندارد ۰"

روز یکشنبه ۶۶/۳/۱۰ محمد رشیدیان نماینده ارتجاع از آبادان در مجلس گفت: "ما باید محورهای عملیاتی در طول ۱۲۰۰ کیلومتر متعدد و متنوع باشد و این نمیشود مگر اینکه اولاً تسخیر مستضعفان بتواند بیش از آنکه الان خدمت میکند مستغرا در جبهه‌ها باشد ۰ ثانیاً همه امکانات دولت بسستی از گذشته در خدمت جنگ و رزمندگان قرار گیرد و ثالثاً مجلس کارخود را روی مسئله اصلی یعنی جنگ بگذارد"



